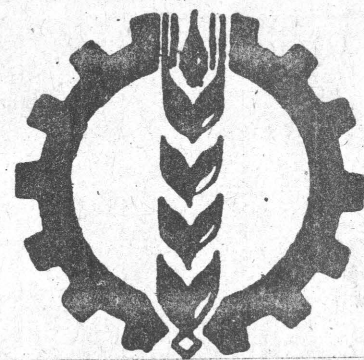


حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

پنجشنبه ۱۷ ـ اسد ۱۳۶٤
August 8, 1985.
سال پنجم شماره ۲۸۸
شماره مسلسل ۱۱۹۹
سال تاسیس ۱۳۵۹



رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، ورئیس شورای انقلابی ج.د.ا، حین دیدار باهیئت نمایندگی جوانان شرکت کننده در دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان ومحصلان .
عکاسی هاشم نذیر

فستیوال مسکو مظهر روشن همبستگی ودوستی میان خلق ها

رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان عصر پریروز هیات نمایندگی جوانان افغانستان شرکت کننده در دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و محصلان منعقدهٔ مسکو را در قصر گلخانه مقر شورای انقلابی پذیرفتند ودر فضای گرم ورفیقانه با آنان صحبت نمودند .

هنگامیکه رفیق ببرک کارمل وارد تالار قصر گلخانه شدند همه جوانان که ملبس به یونیفورم فستیوال بودند و شعار های انقلابی و درفش های سازمان دموکراتیک جوانان را با خود داشتند بپا خاسته با شور و هلهلهٔ انقلابی ، کف زدنها ، شعار های زنده باد رهبر محبوب وانقلابی مردم افغانستان ، احساسات شانرا در برابر رهبر گرانقدر و محبوبشان ابراز کردند .

رفیق ببرک کارمل در اوج احساسات پر شور و انقلابی جوانان با آنان مصافحه و احوال پرسی کرده باز گشت شانرا بوطن شادباش گفتند.

هنگام دیدار رفیق ببرک کارمل با هیات نمایندگی جوانان افغانستان رفیق عبدالمجید سربلند عضو کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ومعاون شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان ، سید طاهرشاه پیکارگر معاون شعبهٔ تشکیلات کمیته مرکزی حزب و هیأت رهبری سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان نیز حاضر بودند .

قبل از صحبت رفیق ببرک کارمل، فرید احمد مزدک منشی اول کمیته مرکزی سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان گزارش مختصری از اشتراک هیات نمایندگی جوانان افغانستان در فستیوال ۱۲ مسکو ارائه نمود .

وازاینکه رفیق ببرک کارمل باوصف مصروفیت های فراوان شان هیات نمایندگی جوانان افغانستان را پذیرفتند، اظهار تشکر و امتنان کرد .

وی به کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وبه شخص رفیق ببرک کارمل اطمینان داد که در جهت تحقق تجارب و اندوخته های هیات نمایندگی جوانان افغانستان ازدوازدهمین فستیوال مسکو کار خواهند کرد .

همچنان طی این دیدار ، عزیز کارگر فابریکات کود و برق مزار شریف ، اناهیتا محصل انستیتوت پیداگوژی کابل وکبیر کتوازی معاون قوماندانی اکادمی خارندوی، اعضای هیات نمایندگی جوانان افغانستان درفستیوال به نمایندگی از سایر جوانان صحبت نموده از تجارب شان درفستیوال به رفیق ببرک کارمل گزارش دادند .

آنها همچنان از توجه و مواظبت دایمی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رهبری حزبی و دولتی در راس

(ص ۲)

رویداد های وطن

تهدابگذاری سیفون آبیاری

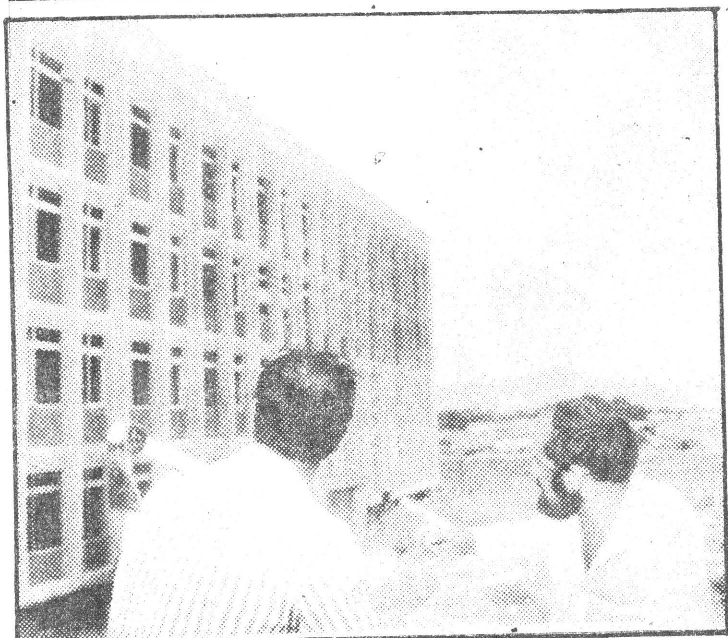
با اعمار سیفون آبیاری بختیاران ولسوالی ده سبز که دیروز تهداب گذاری گردید ساحه بیش از دو هزار هکتار زمین زیر تحت آبیاری قرار میگیرد .

سیفون آبیاری بختیاران ولسوالی ده سبز به همکاری متخصصین پروژه انکشافی ملل متحد و کمک مالی صندوق وجهی انکشافی آن سازمان به طول ٦٠ متر تحت بستر دریای کابل در منطقه پکتیا کوت ده سبز اعمار و ظرفیت عبور دو متر مکعب آب را در فی ثانیه دارا خواهد بود .

سیستم آبیاری بختیاران شامل بند آب گردان بالای دریای لوگر کانال عمومی به طول ٦ر٥ کیلو متر و ساختمان های فرعی در مسیر کانال بوده آب دریای لوگر را به منطقه ولسوالی ده سبز انتقال خواهد داد .

طرح و دیزاین این سیستم توسط ریاست آبرسانی دهات و علفچر های وزارت آبیاری و منابع آب صورت گرفته و ساختمان آن به مصرف مجموعی بیش از ٦٦ ملیون افغانی در ظرف سه سال طی سه مرحله یعنی ساختمانهای اساسی ، اعمار کانال عمومی و شبکه های آبیاری در خود ساحه توسط دستگاه ساختمانی هلمند به انجام میرسد .

باختر



اعمار ساختمان جدید

کار ساختمان پروژه تعمیر جدید اداری ستره محکمه که درساحه مکروریان جدید اعمار میگردد ادامه دارد .

کار این پروژه را دستگاه ساختمانی بنایی به عهده دارد و تاکنون نود فیصد کار در آن پیش رفته است .

در گزارش مسوول ساختمان این پروژه چنین خواندیم : این پروژه شامل دفاتر و اتاق های مورد نیاز بوده که به شمول اموربرق، آبرسانی ، تهویه و مرکزی گرمی ساحه پانزده هزارمتر مربع را احتوا می نماید مصارف مجموعی آن ۵٤۲ر۸۸ میلیون افغانی تخمین گردیده است .

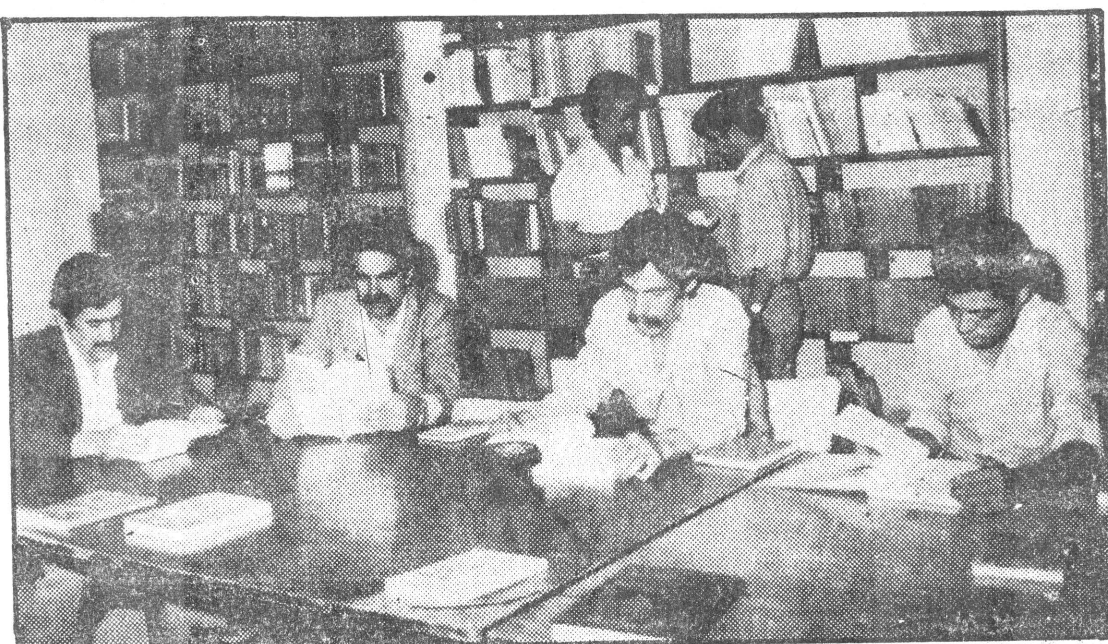
کار ساختمان پروژه در برج سرطان ۱۳٦۲ آغاز گردیده ، که حجم فزیکی پروژه معادل بر سیزده هزار ونه صدو شصت و چار متر مکعب می باشد ، این پروژه در ربع سوم سال ۱۳٦٤ آماده بهره برداری می شود .

ناهید

ایجاد کتابخانه

بخاطر رشد و تقویه سطح آگاهی کارگران زحمتکش ، دیروز یک باب کتابخانه عامه در سیلوی مرکز افتتاح گردید . این کتابخانه در برگیرنده (۲۳۰۰) جلد کتاب در مسایل تاریخی ، فلسفی ، اجتماعی سیاسی ، هنری و ادبی و کتاب هایی در زمینه ادبیات کودک میباشد و مردم محل زیست نزدیک به این کارخانه نیز میتوانند ازین کتابخانه مستفید شوند .

ح.ا.ث



قلب های بزرگ در مرکز کوچک

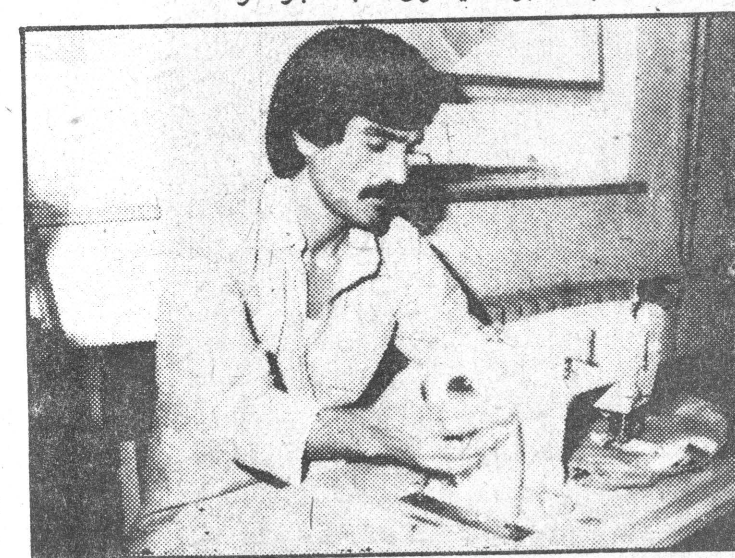
در مرکز احیای معلولین

از هنگامی که در دفتر روزنامه به من گفتند، تا گزارش از شفاخانه احیای مجدد معلولین تهیه نمایم . مرا نوعی وسواس فرا گرفت، که تااین دم ازآن رها نشده ام . زیرا در اینجا نه با فضای ساده ومعمولی همانند هر گوشه وکنار شهر بلکه با فضای انباشته از خاطرات وحکایت های دلیرانه و فداکارانه ومردان قهرمان و جسور انقلاب روبرو میشوی که می بایست تصویر سیمای آنان را آنگونه که انقلاب آنرا جان داده است به نوشته آورد، واین برای من کار آسانی نیست ، تصویر دقیق این سیماهای پر شور رابایید در حافظه پهناور تاریخ جستجو کرد .

با نخستین گام ها در مسیر راه این مرکز فضای متفاوت آنرا با زندگی عادی درشهر احساس میکنم. مردانی توجهم را جلب میکنند که با چوب دست در حرکت اند . نزدیکی محوطه ساختمان مرکز درکنار پارک کوچک زیبا باگل های معطر ، تعدادی از معلولین چوب های دستی شان را به کنار نهاده فشرده پهلوی هم نشسته اند .

مرکز احیای معلولین ساختمان دو طبقه تازه ساخت است . با (۱۱) اتاق و ۱.۵ بستر که در دامنه زیبا وخوش آب وهوای کوه افشار قرار دارد . رئیس شفاخانه برایم گفت :این مرکز درسال ۱۳٦۰ به منظور احیای معلولیت تاسیس گردید وهدف اساسی

(صفحه سوم)



● عبدالحبیب به یاری دستان خویش به جنگ کهولت و بیکاری میرود . از بیکاری بیزار و به سعی وتلاش در زندگی عقیده مند است .

نقش طبقه کارگر افغانستان در تحولات انقلابی

(ص ۲)

اخبار خارجی، واقعیتها، حوادث

جوانان و ارزشهای جهانی

روزنامه هیومانته چاپ فرانسه پریروز نگاشته که دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و محصلان موید آن بوده که نسل جوان به ارزش های جهانی قبول شده ارج می گذارد .

روزنامه می افزاید که جوانان پنج قاره جهان درین فستیوال از کلمات صلح، همبستگی ، انکشاف ، سهم گیری درمخالفت با نژادپرستی به هیجان آمدند .

اعتراض علیه مشی واشنگتن

تظاهرات گسترده مردم فلیپین بخاطر یاد بود قربانیان بمباران وحشیانه اتمی بر هیروشیما وناگاساکی درمانیلا براه انداخته شد

این تظاهرات توسط سازمان بزرگ ائتلاف برای فلیپین فاقد سلاح ذروی سازمان داده شده بود .

تظاهر کنندگان گردهم آیی را در مقابل سفارت امریکا در فلیپین در اعتراض علیه مشی واشنگتن مبنی بر مبدل ساختن فلیپین به یک پایگاه سلاح ذروی پنتاگون دایر نمودند

پرواز طیارات از یوگندا

پرواز طیارات از میدان هوایی بین المللی کمپالا پایتخت یوگندا پریروز آغاز گردید.

این مطلب را رادیو کمپالا گزارش داده میافزاید میدان هوایی کمپالا از تاریخ ۲۷ جولای بعد از کودتا علیه رئیس جمهور سابق آنکشور مسدود گردیده بود.



ناگاساکی نام یکی از شهر های جاپان است که ٤٠ سال قبل نخستین بم اتومی امریکا دران فرو ریخته شد .

درین مورد مطلبی داریم در صفحه هفتم این شماره .

فستیوال مسکو مظهر روشن همبستگی و دوستی میان خلقها

(بقیه صفحه اول)

رفیق ببرک کارمل از سازمان دموکراتیک جوانان وجوانان افغانستان اظهار سپاس نموده تعهد سپرد ند که آرما نهای فستیوال را به میان جوانان برده وصدای فستیوال را بگوش جوانان کشور خواهند رسانید .

رفیق ببرک کارمل بعد از استماع گزارش های مربوط به دوازدهمین فستیوال جوانان و محصلان در مسکو و اشتراك هیات نمایندگی جوانان افغانستان در آن فستیوال بصورت همه جانبه صحبت کرده نخست از جانب کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان باز گشت پیروزمندانه هیات نمایندگی جوانان افغانستان را شاد باش گفته وجهات کار، ملی و انترناسیونالستی جوانان رامشخص ساختند .

رفیق ببرک کارمل خطاب به جوانان افغانستان شرکت کننده در دوازدهمین فستیوال جوانان و محصلان در مسکو گفتند :

به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان بخاطر انجام شایسته وظیفه انترناسیونالستی و شرکت فعال تان در دوازدهمین فستیوال جوانان و محصلان در مسکو بشما شاد باش میگویم . شرکت در فستیوال مسکو بشما امکان داد با جوانان قاره های مختلف و کار و مبارزهٔ آنها آشنا شوید . شما از فستیوال مسکو بسیار چیز ها آموخته اید . برشماست که مفکوره های نهفته در اسناد فستیوال را بمیان جوانان و مردم ببرید و در بارهٔ اینکه فستیوال مسکو مظهر روشن همبستگی و دوستی میان خلقها و مارش نیرومند علیه جنگ ، زورگویی وستم بودمردم وجوانان را در همه جا آگاه سازید .

رفیق ببرک کارمل افزودند: شما در جریان فستیوال در میهن لنین، در مسکو زیبا مدرسهٔ عالی سیاسی راسپری نمودید شما با کار های قهرمانانه و دستاورد های بزرگ خلق شوروی آشنا شدید ودیدید که جوانان شوروی فرزندان قهرمانان انقلاب اکتوبر و جنگ کبیر میهنی باچه روحیهٔ عالی سر شار از ایدیالهای بشر دوستی و صلح در تحت رهبری حزب لینن می رزمند وکار میکنند .

رفیق ببرک کارمل گفتند: در بیانیهٔ رفیق میخائیل سرگیوویچ گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی در مراسم افتتاح فستیوال مسکو یکبار دیگر سیاست صلح دوستانه و انسانی اتحاد شوروی تبارز یافت همان طوریکه رفیق میخائیل گرباچف گفتند هدف اساسی و جوهر سیاست اتحاد شوروی را ایجاد جهان بدون جنگ و تامین صلح در جهان تشکیل میدهد . بیان این نیت صادقانه در چهلمین سالگرد غلبه بر فاشیزم هتلری و ملیتاریزم جاپان از اهمیت خاصی بر خوردار است . انتشار اعلامیه رفیق میخائیل سرگیوویچ گرباچف در مورد اینکه از تاریخ ششم اگست مصادف با چهلمین سالروز بمبار دمان وحشیانه اتمی امریکا بر هیرو شیما، اتحاد شوروی تمام ازمایشات اتمی خودرا بصورت یك جانبه قطع میکند یکباردیگر نیت صلح خواهانه اتحاد شوروی را با برداشتن گام عملی ثابت ساخت . این اقدامات که در جریان فستیوال مسکو انجام شدبه فستیوال غنا واهمیت بزرگی بخشید ، حکم بشریت است که دیگران نیز از این نمونه پیروی کنند .

رفیق ببرک کارمل گفتند: شما در جریان فستیوال شاهد همبستگی گستردهٔ جوانان جهان با انقلاب افغانستان بودید شما دیدید که ما در سراسر جهان دوستان فراوانی داریم که از سیاست حزب دموکراتیك خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان در جهت ساختمان جامعهٔ عادلانهٔ نوین پشتیبانی میکنند .

شما طی روز های فستیوال یکباردیگر معتقد شدید که مطمین ترین دوستان ما اتحاد شوروی وخلقهای کشور های سوسیالستی اند .

رفیق ببرك کارمل علاوه کردند: مادر هردیدار باشماجوانان نیرویی تازه می یابیم، ما در سیمای شما نمایندگان دلاوران عرصه های نبرد وکار را می بینیم که قهرمانانه از انقلاب دفاع میکنند ودر راه ساختمان جامعهٔ عادلانه نوین می رزمند . حزب ومردم از شما جوانان می طلبند که در همه جانمونه های عالی کار، آموزش ، تقوا و اخلاق باشید وهمیشه در صف مقدم دفاع از وطن و انقلاب قرار داشته باشید .

درین لحظات دشوار وطن ومردم از شما می طلبد که جانبازانه درراه دفاع ازمیهن، ستر مطمئن سرحدات وطن و تحکیم وگسترش قدرت دولتی برزمید ، در احیای اقتصاد ملی کشور در تمام عرصه ها در صف مقدم باشید . در امر کمك بهمردم، امحای بیسوادی وفعالیت خستگی ناپذیر در عرصه های اقتصاد ملی نمونه باشید .

رفیق ببرك کارمل افزودند: من بشما اطمینان میدهم که حزب ودولت ازشماجوانان، از پرابلم های [illegible] سازمان تان سازمان دموکراتیك جوانان افغانستان [illegible] و [illegible] می آورد. ما بشما به مثابهٔ نیروی اساسی ساختمان جامعه می نگریم و هرچه در توان داریم به عمل می آوریم که این نیرو سالم، شاد وآگاه باشد .

رفیق ببرك کارمل دراخیر صحبت شان گفتند :

بگذار تبلیغ مفکوره های فستیوال به یکپارچگی هرچه مستحکمتر جوانان مابه دور حزب دموکراتیك خلق افغانستان وقدرت انقلابی خدمت کند.

بگذار هر پیشاهنگ ، هر عضو سازمان دموکراتیك جوانان افغانستان و هرجوان در امر ساختمان جامعهٔ نوین سهم هر چه فعالتر گیرد .

در ختم صحبت رفیق ببرك کارمل که درهر قسمت با کف زدنها ، دادن شعار ها و ابراز احساسات پر شور انقلابی بدرقه میشد گروه هنری جوانان افغانستان بخشی از کنسرت های شانرا که در فستیوال ۱۲ مسکو تقدیم داشتند بحضور رفیق ببرك کارمل اجرا کردند .

ملاقات ودیدار دوستانهٔ رفیق ببرك کارمل با هیات نمایندگی جوانان افغانستان در فستیوال محصلان وجوانان منعقدهٔ مسکو که ساعت شش شام آغاز شد تا حوالی ساعت هفت ونیم شب دوام کرد .



آینده به جوانان تعلق دارد . آنهااین نکته رابه نیکویی میدانند وامروز درجبهات گونه گون کارومبارزه به طرز جانبازانه وخلاقانه سعی وتلاش میورزند.

درعکس : میرویس یکتن ازکارگران شاپ میخانیکی فلز تصدی جنگلك که افتخارعضویت س.د.ج.ا. را دارد و عضوگروپ کاردرآن موسسه میباشد .

عکاسی ح.ا.ث

توزیع سند ملکیت زمین

به ادامه تطبیق مرحله دوم اصلاحات دموکراتیك ارضی و توزیع عادلانه آب اخیراً یکصدو نودو هشت قطعه سند رسمی ملکیت زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین قریه ساليتق مربوط علاقه داری مردیان ولسوالی آقچه ولایت جوزجان توزیع گردید .

کار تطبیق مرحله دوم اصلاحات دموکراتیك ارضی و آب که به تاریخ اول سرطان سال ۱۳٦۳ در علاقه داری مردیان مربوط ولسوالی آقچه جوزجان آغاز یافته بود با سهم گیری وسیع دهقانان با سرعت ادامه داشته و تاحال یکهزارو هفتصدو پنجاه خانوار دهقانان کم زمین و بی زمین علاقه داری اسناد رسمی ملکیت زمین را بدست آورده اند .

همچنان طی همین مدت در آن علاقه داری ساحه سی هزارو سه صد و هفده جریب زمین معادل دوازده هزار و یکصدو بیست و هفت جریب زمین درجه اول توسط گروپ های عملیاتی اصلاحات دموکراتیك ارضی ولایت جوزجان مورد تصفیه قرار گرفته و به منظور تسریع پروسه اصلاحات ارضی و آب تا حال هشت شورای دهقانان و هشت کمیته دهقانی استفاده کنندگان آب در آن علاقه داری ایجاد شده است .

در علاقه داری مردیان ولسوالی آقچه ولایت جوزجان طی سال گذشته یك کوپراتیف زراعتی مجدداً فعال گردیده و یك کوپراتیف زراعتی جدید نیز در آن علاقه داری گشایش یافته است.

باختر

زنده باد انقلاب ملی ودموکراتیك ثور که کلیه زحمتکشان رادر امر اداره امور دولت سهیم میسازد

تدویر جرگه وسیع قومی

نمایندگان و موسفیدان قرای مختلف ولایت لوگر پریروز طی یك جرگه وسیع قومی از تصامیم لویه جرگه تاریخی و با اهمیت استقبال کرده آمادگی شانرا در تحقق قانون ارگانهای محلی وقدرت اداره دولتی ابرازکردند

در این جرگه که نمایندگان قرای با بوس ، شلوگ، پیار خیل، درك قلعه، مبدوال انوری، بهرام خیل، دهنه زرد کلی و سر سنگ اشتراك ورزیده بودند بعد از تلاوت چند آیت از کلام الله ، والی لوگر روی اهداف لویه جرگه تاریخی جمهوری دموکراتیك افغانستان که در شرایط حساس تاریخ کشور بخاطر اتخاذ تصامیم سر نوشت ساز تدویر یافت صحبت نموده ضمن توضیح قانون ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی اشتراك نمایندگان منتخب مردم در ارگانهای دولتی و شوراهای محل علاوه کرد اهمیت سیاسی ایجاد سیستم ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی که یکی از دست آورد های بزرگ انقلاب ثور محسوب میشود در آن است که نمایندگان مردم براساس انتخابات آزاد و علنی در تنظیم امور سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی محل حصه میگیرند و مسوولانه با قضایای مربوط بر خورد می نمایند .

در این جرگه قومی حاجی خان محمد و حاجی حفیظ الله به نمایندگی از اشتراك کنندگان جرگه صحبت نموده ضمن ابراز هر نوع آمادگی در تامین صلح و امنیت در مناطق مختلف لوگر وعده دادند که تا پای جان در تحقق و تطبیق فیصله های لویه جرگه سرنوشت ساز مبارزه خواهند کرد

باختر

نقش طبقه کارگر افغانستان در تحولات انقلابی

زحمتکشان کشور درسیر تحولات و دگرگونی های اجتماعی و به پیروزی رسانیدن نهایی انقلاب ثور بی باکانه به پیش می تازند واکنون با سرعت چشمگیری در همه عرصه ها اعم از اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی در تحت رهبری پیشوای انقلاب یعنی حزب دموکراتیك خلق افغانستان و پیش آهنگ طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان کشور گام های متین بر می دارند .

طبقه کارگر افغانستان با وجودی که جوان بوده و از لحاظ کمی رشد چندان زیاد ننموده است مگر دارای تاریخ پر افتخار مبارزه بوده و پیوسته نقش خویش را در، تحت رهبری پیش آهنگ خویش حزب دموکراتیك خلق افغانستان بمثابه طبقه رسالتمند پیروزمندانه ایفا نموده است .

طبقه کارگر کشور اکنون در دوجبههٔ کار و پیکار می رزمد ، جبهه اول تقویه صفوف قوای مسلح قهرمان ما و پایان بخشیدن به جنگ و حشیانه که توسط امپریالیزم ، در راس امپریالیزم ایالات متحده امریکا، هژمونیزم چین ،ارتجاع نظامیگر پاکستان ، ارتجاع منطقه بر علیه ما براه انداخته شده است .

کلکتیف های کارگری ، گروپ های دفاع خودی را سازمان داده و از موسسات صنعتی ، خدماتی، ساختمانی وزراعتی به مثابه دارایی خویش دفاع نمود مو تاکنون توطئه های دشمن را در کابل، بغلان و بعضی ولایات دیگر خنثی ساخته و عاملین منش آن را دستگیر و به ارگانهای امنیتی تسلیم داده اند، علاوتاً کارگران قهرمان ما درپاك سازی های متعدد مناطق کشور از لوث ضد انقلاب قهرمانانه شرکت ورزیده ودشمن را نیست و نابود نموده و سهم مستقیم در تامین زندگی صلح آمیزکشور داشته اند و عده هم جانهای شیرین خویش را به خاطر زندگی آرام ومرفه خلق ما از دست داده‌اند .

حزب دموکراتیك خلق افغانستان ودولت مابخاطر پیروزی و بهبود زندگی زحمتکشان بر نامه های معین اقتصادی روی دست دارد، تامین زندگی شرافتمند و بهبود شرایط کار زحمتکشان در صدر وظایف ما قرار دارد ، طبیعی است که این آرمان بدون موجودیت یك اقتصاد نیرو مند بر آورده نمی گردد .

کارگران کشور تعهدات در قبال کار می سپارند، روحیه صرفه جویی راتعمیم بخشیده و به نو آوری ها و ابتکارات دست می یازند . آنان در برابر خود شعار « پلان دولتی قانون انجام آن وظیفه وکار بالاتر از پلان افتخار است » قرار داده واین فرموده رهبر خود رفیق محترم ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ، و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا افغانستان را بکار می بندند که هرگاه کارگر و زحمتکش ما با این روحیه کار نمایدکه اگرامکان باشد از یك کیلوگرام مواد خام ، از یك افغانی پول ، از یك کیلووات برق و غیره هزار م حصهٔ آنرا صرفه جویی کرده . ممکن این موضوع در دیداول جزیی بنظر آید هرگاه در مقیاس ، یك کلکتیف ، یك شهر ، یك ولایت و سراسر کشور محاسبه گردد به خصوص بعد از گذشت یك پروسه مشخص زمانی حاصل صرفه جویی این مدارك درشت خواهدبود .

آمار صرفه جویی شده در نتیجه تعمیم و بکار بستن درست رهنمود های مسابقات کار گواهی میدهند که طبقهٔ از بند رسته کارگر کشو ربه حیث طبقه هدفمند مسوولانه در تطبیق پلان های انکشاف اقتصادی و اجتماعی دولت عمل کرده ، با بی دسپلینی ها برخورد قاطع نموده با روحیه بی تفاوتی ولاقیدی مبارزه کرده و در محو بیروکراسی و ظایف مشخص خویش را انجام میدهد.

تشکیل و ایجاد ارگان های محلی قدرت و اداره دولتی در محلات ، قرا و قصبات و ولایات دست آورد عظیم انقلاب ملی و دموکراتیك ثور ، به خصوص مرحله نوین و تکاملی آنست که نصیب خلق زحمتکش ما در قدم اول کارگران ودهقانان گردیده است که با تطبیق قانون ارگانهای محلی قدرت واداره دولتی سهم گیری خود کارگران در حاکمیت انقلابی خود شان و تحولات اجتماعی ، سیاسی کشور وساختمان جامعه نوین ازدیاد یافت که این امر باور بیشتر کارگران و توده هارا به حزب دموکراتیك خلق افغانستان و پالیسی مردمی آن جلب نموده به خصوص که کلکتیف های کارگری کاندیدان خویش‌را در حوزه های انتخاباتی معرفی نمودند .

کارگران پیشتاز کشور قانون ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی و قانون انتخابات ارگانهای محلی مردم جمهوری دموکراتیك افغانستان را در کلکتیف های خویش در جلسات‌عمومی وکنفرانس های اتحادیوی مورد بحث قرار داده و روی کاندیدان خویش مذاکره کردند . وهم تطبیق قانون را به حیث یك جشن بزرگ ملی باسپردن تعهدات برای کاربیشتر تجلیل نمودند واین پروسه ادامه دارد .

کارگران میهن پر افتخار ما در کار لویه جرگه تاریخی مردم ج.د. افغانستان که برای بار اول نمایندگان آن به طور دموکراتیك انتخاب گردیدند و بخصوص که تعداد زیادنمایندگان خود کارگران و زحمتکشان در ردیف اول قرار داشتند اشتراك فعال نمودند .

بتاسي از هدايات ماه اسد سال ۱۳٥۹ بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ، شورای وزیران ج.د.ا. که یك سند پر اعتبار را بنام مقرره عقد قرار داد های جمعی بتصویب رسانید ، این مقرره ممثل اراده کلکتیف است چگونگی مناسبات موسسات را با کلکتیف زحمتکشان درزمینه استخدام آنها ، رژیم کار و استراحت ، مصوونیت کارو تخنیك آن در حدود احکام قانون تنظیم نموده ، شکل سهم گیری کارگران و اجیران را در اداره امور تولید تعیین و تدابیری در مورد مسایل فرهنگی، تعلیمی ورزشی و صحی اتخاذ می نماید . یعنی در حقیقت اکنون با استفاده از قوانین ومقررات تدوین شده خود کارگران دراداره تولید فعالانه سهم میگیرند .

مبارزه با بیسوادی یکی از وظایف با اهمیت است که حل‌آن در دستور روز انقلاب قرار دارد کارگران ما معتقد اند که بدون امحای بیسوادی تحولات انقلابی در کشور با کندی مواجه میگردد بنابرین کلکتیف های ما در برابر خویش این شعار را قرار داده اند که تا ختم سال ۱۳٦٤ همه موسسات‌بایست کارگران محروم از سواد رادر کورس های سوادآموزی تنظیم نمایند کارگران با سواد در تدریس و کنترول تدویر بموقع کورس ها داوطلبانه سهم میگیرند.

از آنجا ییکه طبقهٔ کارگر جوان کشور جزء فامیل بزرگ جنبش جهانی طبقه کارگر است ، پیوسته انقلاب ما و زحمتکشان ما از همبستگی پرولتری طبقهٔ کارگر جهانی بر خوردار بوده است و این همبستگی همیشه در اقدامات ملی و بین المللی توسط نمایندگان طبقه کارگر کشور های جهان ابراز میگردد ، طبقه کارگر سایر کشور ها که‌در شرایط ترور واختناق بسر می برند ویا اینکه مورد تجاوز قرارمی گیرند نظیر نیکاراگوا ، گرینادا ، افریقای جنوبی، اندونیزیا ، بریتانیای کبیر، ایران ، پاکستان ، ترکیه وغیره از پشتیبانی کارگران مابر خوردار اند واین‌حمایت از طریق تدویر محافل و میتنگ های همبستگی و ارسال پیام ها و معاونت‌های پولی ابراز میگردد .

کارگران و زحمتکشان ما یکجا با کارگران کشور های برادر سوسیالیستی درپیشاپیش آن زحمتکشان پر افتخار کشور برادر شوراها به منظور جلوگیری ازخطرات جدی و تجاوزات امپریالیزم در راس امپریالیزم امریکاکه با اتخاذ شیوه های شانتاژ وغیر مسوولانه تمدن بشریت وسرنوشت آنرا مورد سوال قرار داده است می رزمد و تحقق پیشنهادات صلحجویانه اتحاد شوروی را موافق به مصالح زحمتکشان دانسته ومی طلبد که همه دست به دست هم داده ازآن‌پشتیبانی بیدریغ بنمایند .

ستار پردلی

قلب های بزرگ در مرکز کوچک

(بقیه ص اول)

آنست تا معلولین رادیو باره به جامعه تقدیم نماید . د ر اینجا رشته های تایپستی ، تیلفون، تخنیک، رادیو وتلویزیون، موسیقی ، خیا طی وگلدوزی وجود دارد. ر شته عمده آن تخنیک ارتو پیدی میباشد . که به ساختن دست وپای مصنوعی، بوت هـا ی طبی ، سامان آلات کمکی و فیز یوترایی مشغول است . ما تنها طی سال گذشته ۲۷۹ عضو مصنوعی بر ا ی معلولین ساخته ایم . علاوه برآن گروپ های از معلو لین رابه اتحاد شوروی، آلمان دموکراتیک ، بلغار یـا ، چکوسلواکیا و پولیند بر ای گرفتن دست وپای مصنو عی می فرستیم . همچنان دراینجا کتابخانه ، اتاق ورزشی ، زیبایی اندام و آو از خوانی وجود دارد . بخاطر توسعه این مرکز قرار دادی بـا کشور دوست اتحاد شوروی بـه امضاء رسیده است که مر کز با گنجایش دو صد بستر با تمام وسایل آن در کابـل ساخته شود .

اینجا استراحتگاه مو قتی کسانی است که در سنگرهای رزم انقلابی در لحظه ها ی بزرگ تاریخ انقلاب مـا در حالی که با مرگ فاصله کمی داشته اند در راه پای افشردن بر ارمان کبیر خلق، پرچم پیکار را پر صلابت و محکم بردوش گرفتند . ودر این راه اعضای بدن شان را ازدست دادند .

بسوی دفتر رئیس بر می گردم. جوانی باچوب دست نزدیك میـزش ایستاده و مدالی بر سینه دارد . رئیس شفاخانه بـرای دیـد ار و آشنایی با معلولین راهنمایی ام میکند .ازاولین لحظات احساس میکنم انقلاب بامن حرکت میکند . بـا تورن عبدالحبیب آشنـا میشـو م . ا و ... پای راستش را در محاربه با دشمن از دست داده است . چنان با خونسردی و آرامش صحبت میکند که بجای ترحم ودلسوزی غرور انسان رافرا میگیرد . واین غرور همانا از سیمای جوان اوست که می طراود وبرانسان تاثیر میگذارد. در اینجا به هراتاقی که نظر کنید چنین غرور حکمفرماست .بایمر دی وشکوه است.که بماندهای این سا ختمان کوچك رادر برگرفته است تورن حبیب درسال ۱۳۵۸ از حربی پوهنتون فارغ شده تاسال ۱۳۵۹ در غند راکت وپس ازآن در ولایت بلخ وظیفه اجرا کرد. همیشه وظیفـه انقلابی داشت ودر دفاع از انقلاب وظیفه اش رابه سـر میرساند. به راستی اینچنین در مبارزه ونبرد انقلابی بودن جان های شیفته ،راه مردم را می طلبد که بدون خستگی با قلبی مالامال از امید ها وآرزو هایی ترس و جسور بمبا رزه ادامه دهند . باید از خا طرات قهر مانی اوزیاد شنید واینکه چگونه همدوش رزم آ وران صادق وکم توقع وهمراه بـا سربازان خوددر پیچ وخم دره هاوکوه های میهن دشمن رااز پا درآورده است .

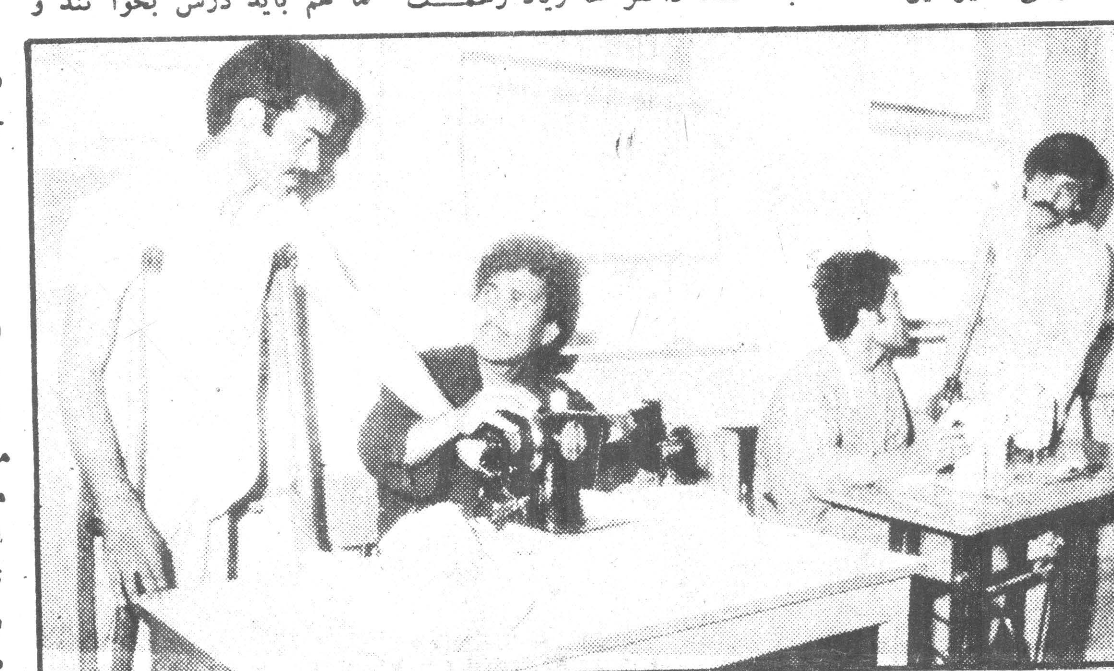
تورن حبیب از جریان مجروحیتش قصه میکند. از لحظاتی که قلبش در فاصله مرگ وزندگی می تپید. بـه راستی هر گز نمی تـوان لحظات میان مرگ وزندگی را فراموش کرد می گوید: ((سه ماه در شفاخانه بستری ماندم مهربانی وخوبی داکتر هاهرگز فراموشم نمی شود .بعد ازسه ماه تداوی وقتی به خانه رسیدم رفیقی که همراه بامن بود مرا بالای دست گرفته بود. پدر، مادر وزنم که تا این لحظه از جریان حادثه بی خبر بودند شروع به گریه نمودند .اما من زیاد دلداری شان دادم. عصر همان روز زنم از غصه زیاد مرد اولین طفلم درآن موقع ۴۰ روزه شده بود.با وجود آنکه پنج برادر من درراه دفاع از انقلاب شهید شده اند مرگ زنم برایم زیاد غم انگیز بود. در همین لحظات چهره غمدیده او در نظرم مجسم است. من پس از دوماه استراحت در خانه دوباره به شفا خانه برگشتم که پس از تداوی کامل ازآنجا آمدم واکنون در این مرکز انتظار دارم تا پای مصنوعی بگیرم .))

باید از خا طرات حبیب زیاد نوشت .زیرا این خاطرات و حکایت هانمونه ای است، از خاطرات وحکایت های قهرما نان بانام وگمنامی که بی سرو صدا حماسه می آفرینند .قلب پرشوری که بی باك در راه آرزو های بزرگ بتپد اگرپا، دست ویا چشم را از دست دهد، هرگز از تپش باز نمی ماند .این قلب باید بتپد ووجود را به کار ومبارزه فراخواند. آری اگر دست یاپا نیست این قلب پر شوروجود دارد. باید در راه آرمان حزب رزمید واز پانه ایستاد .وبا همین اعتقاد است که او ودرمیان دلیران همانند خودش که بر بستر افتاده اند بهکار فعال سیاسی- ایدیو لوژیك مشغول است.او طی مدت کوتاه (۷) نفر دلیر رزمنده را دراین مرکز به حزب معرفی نموده است . اوخوب ترین کتابهارا برای معلو لین توصیه مینماید .از این میان بیشتر از همه کتاب «چگو نه فولاد آبدیده شد » را، در لابلای حرف هاو خاطـرات حبیب به کار های حزبی اش پی بردم ودانستم که اوعضو ... حزب است. ضمنا حبیب در رشته تخنیکی اورتوپیدی این مر کز شروع به فرا گیـری کرده است. تا بتوا ند بـا دستان خود برای معلو لیـن دست و پای مصنو عی بسازد. او عضو کورس مو سیقی این مر کز که استاد رحیم بخش آنرا رهبری مینماید نیز است.

به دشواری از جو کی بر میخیزد. با من یکجا به اتـاق های دیگر میرود . در اتـاق شماره (۱) بالای بستر محمد یوسف میرویم که انفجارمین نو کران امپر یا لیزم پا یش را قطع نموده. از جا هـا ی زیادی که برای سر کـوب دشمن رفته است منجمله از توره بوره نام می برد . اواز سر باز ان فر قـه (۱۱) ننگر هار و از دلیران محاربه توره بوره است. میگوید: ((ما می با یست دشمن را از علاقداری دانگام و لسوا لی اسمار بیرون میرا ندیم. باید علاقدا ری فعال میشد ، کـه مو قعا نه آنرا فعال سا ختیم در راه رفتن به پو سته مینی از یك دشمن زیر خاك گذاشته بود. زیر پایم انفلاق نموده . یك پا یم را قطع سا خت . رفقا یم مرا از کوه بهعلاقداری و از آنجا به شفا خا نـه ولسوالی اسمار آوردنـد . سا عت (۲) شب به هو ش آمدم. من برای فا میلم گفتم تا راحت نبا شید مرا هیـچ چیز نشده . زنده هستم و فقط پا یم قطع شده، جوانان بهتر از من در راه انقلاب شهید شده اند . در این مرکز بین رفقای ما این رو حیـه وجود دارد که آرزو دارندبعد از گر فتن پا باز هم بهسنگر برو ند . شا ید شما ایـن حرف را باور نکنید . رفیـق محمد مسلم و رفیق جمـال صا حب منصب فر قه (۱۸) پس از گر فتن پا با وجـود داشتن سند معا فیت دو باره به قطعه بر گشتند .))

به اتاق دیگر میرو یـم . غلام رسول را به من معر فی میکنند . سیمای شادوبسیار جوانی را رو بروی م می بینیم که روز های دشوار ، سر ما وگرمای دشت ها و کوه ها واز دست رفتن پای راستش ، پای که با آن بار ها به تعقیب دشمن پر داخته و همرز مان را یاری کرده ، نتوا نسته است طراوت و تازه گی را از او باز گیرد . تبسم شیر ین و صمیما نه را حتی هنگا می که خا طرات تلخ را باز گو میکند ، رها نمی سازد. قاب بزرگی از عکس خود ورفقایش با لای چپر کتش به دیوار آویخته است و روی میـز کو چك کنار بستر ش گلهای کا غذی سفید وسرخ بابرگ های بزرگ را جا داده، این گلها بیان امید ها و آرزوها برای فردا های شگو فان و صلح آمیز یست که او را به مبارزه فرا خوا نده است .

چنین آغاز میکند : ((از ولسوالی شیر ین تگـاب



ولایت فاریاب هستم. تاصنف (۱۱) درس خوا ندم کهمکتب تو سط اشرار حریق شد. من به (اند خوی رفتم و و قتـی دوباره به شیر ین تگاب برمی گشتم، افراد با ند مو لوی قره مرا دزدید ند که یکسال اسیر بودم . در جنگی کـه میان خود اشرار در گر فت ، من فر صت یا فتم تا فرارکنم در مفرزه اوپراتیفی ولسوالی شا مل شدم و همراه باگروه مدا فعین در امنیت ولسوالی سهم میگر فتم. روز با پدرم در دکان کباب پزی نیز کمك میکردم . بعداً در قوماندانی خارندوی ولسوالی شیر یـن تگاب سر باز گردیدم. سـه ماه سپری کرده بودم که در برخورد با ضد انقلاب مجروح شدم. دو ماه در چهار صـد بستر زیر تداوی بودم. مـی خواهم پس از گر فتن پـای مصنو عی از مر کز احیـای معلو لین به تحصیلم ادا مـه دهم. ما اطمینان داریم کـه انقلاب ما شکست نمی خورد. مملکت های صلح خواه جهان با ما ست . اینکه ما دراینجا افتاده ایم بخا طر جنا یـات امپر یا لیزم است. امریکـا همیشه محکوم است. مـا معلو لین در ماه حوت سال گذشته، در مارش محکـوم نمودن جنا یت های امپریالیزم شر کت کردیم . جها نیان امپر یا لیزم جنا یتکار امریکا را بخا طر جنا یا تش در ویتنام، فلسطین، افغا نستان السلوادور و در هر کجـای دیگرجهان هرگز نخواهد بخشید

تورن عبدالله که حین انجام وظیفه پا یش را از دستداده آنطرف تر روی چپر کـت مقا بل ما نشسته ومیگو ید: ((اگر پای قطع شد زبـان وجود دارد . با قطع پای یـا دست مبارزه ختم نمی شود. ما با شمشیر زبان خود می جنگیم رادیو و تلو یز یـون باید با معلولین زیاد مصاحبه کند. تا اینها حرف های خود شان را بگو یند و دشمـن بدا ند که جنا یات آنها آتش مبارزه قهر ما نان را شعله ور تر میسازد.))

در یکی از اتاق های منزل پائین قرار دارم . کنار تخت عبدالخا لق که هر دو پا یش قطع شده می نشینیم. خود ش را جا بجا میکند تامن راحت تر بنشینم. بیش از همه چهره خندان وپرمحبتش مرا متو جه خود میسازد .

میگوید: از فراه هستم، تاصنف ۱۲ درس خوا نده ام. در غند سر حدی ارگون سر بـاز احتیاط بودم . در عملیات می رفتیم . درقسمت بالای ار گون با انفجار مین زخمی شـدم. پای چپم از با لای زانو وکف پای را ستم قطع شد. رفقایم مرا با امبو لانس به شفاخانه ارگون آوردند . (۱۵) دقیقه طول نکشید که با طیاره بـه کابل آورده شدم . ۳ سال در چهار صد بستر ما ندم . دو سال پا ها یم در پلستر بود و سال سوم پای چپم عملیات شد. داکتر ها زیاد زحمت کشید ند . پرو فیسر مو سی وردك بسیار تکلیف کشید . تا من جور شـدم . او آدم بسیار با حو صله و فدا کار است. با مر یض ها رویـه خوب دارد من با خو بی ها و مهر با نی های داکتـر ها و نر س ها در این سه سالدق نیاوردم. داکتر سهیلا آمـر عملیا تخا نه چهار صد بستر زیاد کمك کرد .))

او پیش از آنکه صحبت را در مورد خودش ادامه بد هد. از خو بیها و بر جستگیهای دیگران میگو ید : این سا ده نیست. در پشت آن رمزی پر معنی خوا بیده است . با ید خوبی را ستود و در راه آن جان نهاد و اینان کسا نیاند که مردا نه در همین راه بـه پیشواز دشواری رفته اند ، تا نور انقلاب بر دور افتاده ترین گو شه های میهنبتابد.

میگو یم از عملیات هایکه در آن شر کت نموده ایـد صحبت کنید . از همسنگرها و از فدا کاری های شـان بگو یید . ((عمده ترینعملیات ها ی که در آ ن شر کت کردم عملیات دره تا بوت وقسمت بالای ارگون استکه سلاح و سهمات زیادی ما نند ها وان، دهشکه و مین های ضـد پر سو نل بد ست آوردیم. دشمن که نمیتوا نست با ما مقا بله رو یا روی نما ید در زمین مین گور میکرد. خاطره های زیادی از کوه شر قی دارم. در قله کوه پو سته داشتیم. رفیقی داشتیم بنام معروف ، حز بی بود. بسیار دلاور و فهمیده بود. هیچوقت کلمات او از یادم نمی رود . همیشه از مردم میگفت واینکه با ید بخاك خد مت کرد.))

یاد آنروز های گـرم، لحظا تی به فکر فرو میبردش گو یی بر ستیغ بلند کـوه محکم ایستاده و دشمن را از تر س چشمان تیز بیـن او یارای حرکت نیست . سیما یش چنان پر صلا بت است که احسا س میکنم در سنگر با او به مصا حبه نشسته ام نه بر تخت استرا حت معلولین

میگو ید : ((خاص از خا طر وطن هیچ درد حس نمی کنم. و هیچ یا س بخود راه نمی دهم . روز ها گذ شته ودر دل تشو یش نکرده ام. من حز بی هستم. اگر یك پـای دیگرم خوب می بود و میتوا نستم راه بروم با یك پا حتما به قطعه خود بر می گشتم . هدف خدمت وطن است . من بخا طر کدام چو کی مبارزه نمی کنم . میدا نید کـه امپر یا لیزم امریکا دستخود را از سر انقلاب ما برنداشته و به جنا یت ادامه مید هد . تا زنده هستیم بهمقابل آن ایستاده ایم. ما به پیروزی خود ایمان داریم . با لاخره کار امریکا و همکاران او چین و پاکستان و نو کران آنهـا نتیجه نمی دهد . از طر فمن برای سربازا ن ، افسرا ن و رفقای حزبی بنویسید کـه خوب با دشمن بجنگند. جوانان ما هم باید درس بخوا نند و هم از انقلاب دفاع کنند. این حرف رفیق کارمل است .

در روز نامه زیاد .از ایـن چیز ها بنو یسید از خاطرات قهرما نا ن و جنگجو یـا ن نو شته کنید تا سر مشـق شود. امید میکنم بازهم از ما خبر بگیرید . اینجا بیا یید آمدن تان مارا زیاد خوش مـی سازد . من همین که توانستم راه بروم به دفتر روز نا مه می آیم . زیاد گپ میزنم .»

عبدالخالق رو یش رابسوی جوانی که در تخت پهلو یش استراحت دارد ، گردا نـده میگوید : ((این میرآ جـا ن است . در غند کو ما ندو ی خوستسرباز بود،هردوپایش از بالای زانو قطع گردیده .اما رو حیه بسیار خوب دارد .))

میر آجان با نگاه صمیمی بما مینگرد . قیا فه سـاده دهاتی اش از رنج هـا و زحمت های کار حکا یت دارد.

((جایم از غز نی است .پیش از عسکر ی در فا بریکه چیلك سازی پلچر خی کارگر بودم . در عملیا ت های تورغر گردیز و چمکنی شر کت کرده ام . در یك پو سته حبش خیل بودم ، شب دشمن را که میخواست بهپوستهحمله کند سر کو ب کردیم . شب بـه دزدی لب چشمه مین گـور کردند . صبح که رفتم آ ب بیاورم مینپاهایم را پراند .

عبدا لخالق مرد دیگـری را در تخت آنطر ف تر نشانم مید هد . او کریم است و پای چپش قطع گردیده ، با صدای بلند و لهجه شیر ین بدخشانی شروع به صحبت میکنـد . ((صا حب من در اسمـا ر عسکر بو دم ، دو سال وهشت ماه خد مت کـر دم طر ف شیگل میر فتیم ،درراه اشرار مین مـا نده بود . اشـرار جان ندارد . پشتیبا نی اش را امریکا ، چین ، پا کستـا ن و ایران میکند . تر بیه می کنند تا وطندارا ن خود را بکشند . تا مردم را به دهقانی نمانند ، به چو پانی نماند . منخود م چوپانی و پهلوا نی میکردم .))

از خا طرا تش چنین مـی گوید : ((ما در نور ستـان بودیم. یك تعداد مردم ازدست اشرار به شیگل گر یختـه بودند . ما به داد مردم رسیدیم خانه های شانرا آباد کردیم ودرکشت وکار زراعت بـه آنها کمك کردیم . هم دشمن رانابود میکردیم و هم به مردم کمك میکردیم . ما برای فریب خورده ها نیکه از پاکستان به اسمار می آمد ند ، خانه های شان را جور می کـر د یم، از نان عسکری و از گو ر نـه خود برا یشا ن میدادیم .))

در میان حر ف های ساده کریم به خو بی میتوان جریان آ گـا هی بخش مبـا رزه انقلا بی جا معه همه خصلت مرد می قوای مسلح نیز تاثیر کار سیاسی در قطعات عسکری را بار یافت .

با هر که بنشینی ازدرد و نا له نمی گو ید . حر ف هردی است و اراده استوار ایـن ز ندگی را با آر زوهای بزرگ جریان دارد وقلب های بزرگ در مر کز کو چك مالا مـا ل از شور و التهاب است . این چهره ها تجلی نیرو و اراده بزرگ توده های میلیو نـی وطن ماست . سخن از حما سه و دلیری حکایا ت روزا نه آنان است . چیزی که خارج ازاین مر کز د ر زنده گی عـادی مخصوصاً برای آنان که بیشتر از انقلاب به خود می اندیشند نا ممکن به نظر می آ ید . اینجا رزم آوران عملیا ت هـا ی بزرگ قوای صلح چون مارمول، توره بوره و تور غـر را از نزدیك می بینی وازمیان صحبت های شا ن با دورافتاده ترین نقاط کشور آشنامیشوی اینجا هرحکایت از حما سه، از تا ب قدرت قوای مسلح قهر مان و انقلا بی است .

هنگام صحبت با آنان سیما ی شان آن چنان در نظر جـا ن میگیرد که گو یی همین اکنون دردشت ، دره وکوه هاجسور وبی باك به تعقیب دشمن اند. اما زند گی بی حادثه و سـر نو شت نیست . و سر نوشت میتواند مردان سر تا پا شور و هیجان را در مرکز معلو لین به استرا حت بکشاند .

با نر س های مو ربا نـی که وجود شا ن را در راهمواظبت و پر ستاری از ایـن معلولین گذاشته اند، آشنامیشوم توریکی وچینی گل سه سال است که دراینجا خدمت میکنند. تور پیکی میگو ید : ((معلو لین رو حیه بسیار خوب دارند . ما کو شش میکنیم خوب به آنها رسید گی کنیم . مـن وقتی می بینم برای مریضـ هاپاانداخته شده و میتوا نند راه بر وند . بسیار خوشـ میشوم . یکی از معلو لیـن ما بنام یوسف که هردو پایش قطع بود ، پس از گر فتـن پا توانست بهخوبی راه برود. این چیز هامارا زیاد خوشحال میسازد .اما دیدن تکلیـف های شا ن قلب ما را به درد می آورد .)) چینی گل ازباقی بریا ل واز رو حیه خـو ب ودانایی او یاد آوری می کند ، که مد تی در همین مر کـز استرا حت داشت .

سیمین جان یکی دیگرازخانم های نرس است ، میگو ید : ((روز های اول برایم زیـاد مشکل بود که این جوا نـان رابی پاوبی دست میدیدم،من قسم خوردم که باید خوب به آنها خد مت کنم . در سن و سال جوانی چه آرزو ها وامید های بدل جوانا ن است . یگان وقت فکرمیکنم، اینهاوقتی مرا سالم می بینند که پیش روی شان راه میروم چقدر رنـج میبرند .اما در چهره آنها درد نمی بینم . چقدر دلیر هستند یك تعداد شا ن که پا گر فتند پس به قطعات خود رفتند .))

من یادم ازجگرن غلام ربانی نو شاد آمد که چند سا عت پیش دراتاق شماره (۲) دیدمش افسر فرقه اردو در مـزار شریف است . یك پایش قطع شده ا ما اخذ معا فی خـط و تقاعد را نپذ یر فته و دوباره برای انجام و ظیفه به قطعه بر گشته است .

سیمین ادا مه داد : ((من که صبح می آیم ا ز اتاق ا و ل شروع میکنم ، با هر کـدام احوال پرسی مینمایم . مـن باآنهازیاددرباره انقلاب وارزش قهرمانی های شان میگویم . برای شان شعر میخوانم .شعر «قهرمان زن » رابرای شـا ن خوانلم. که دوفردآن چنین است.

پروردی به داما نت تو از مهر
چه شیرمردان ناملار قهرمانزن
بدادی نام نیك و افتخارا ت
فرشتهٔ فدا کار قهر مان زن

شعری گفته بود م بنـا م خدا حافظ تو. من این شعر را هنگامیکه یکی از معلولین پاگرفت واز اینجا رفت . هنگام خدا حافظی برایش خواندم .که بعضی ها از آن تعبیرعاشقانه کردند .اما من عاشق تمام این قهرما ن هستم . عا شق دلیری وشجاعت شان . تاحالا به چند نفر کتاب های سر نو شت یك انسان اثر شولوخوف،صبحگاهان اینجا آرام استوپیروز مندان را داده ام . میخواهم کل خاطرات قهرمانان این استرا حتگاه رابنو یسم تایك کتاب شود .

چهره سیمین را چنان هیجان فرا گرفته ، که نمی توان بـه سادگی از ورای حـرف های کو تا هش به اسرار آن پی برد . در این هیجـان و بیان دلسوزانه باید ستیز عشق وامید و لبخند را بادرد وگریه دید . او میخوا هد تـا عشق بر درد و لبخند برگریه پیروز باشد . میتوان رفیقترین و انسانی ترین عوا طف را ازز بان این یاران همه روزهٔ معلو لین انقلا ب در یا فت. این عواطف بیانگر امید ها و آرزو های هزاران مادر و زن سرزمین ما وکشور هـا ی دیگریست که در مبارزه بـا امپریالیزم در گیرند .

من در حالی شفا خانـه احیای مجدد معلولین ، این استراحتگاه ومرکز پرازخاطره جانبازی و فداکاری را تـرك میگویم که فقط با چند صفحه ازآن کتاب بزرگی که بایـد در مورد آن نوشته شود آشنا شده ام. هرچه از اینجا دور تر می شوم واز دامنه ز یبا فاصله می گیرم ، قامت مغرور کوه بیشتر سر بلند میکند . ومن در قله هـای محکمش چهرهٔ د لیر مردان سر ز مینم را می بینم . چهره مردان با نام وگمنام را، مردانی که به گفتهٔ گورکی «هدف واقعی زندگی را در زیبایی و نیروی تلاش بسوی هدف» دیده اند.

دیروزچه عاشقانه جان باخته اید
امروزحماسه هاپا ساخته اید
فردادل این باغ جوان سبزتراست
اینگونه که طرح نودرانداخته اید

انور آرمان

● **در عکس آنمردان دلیری به مشاهده میرسند که در مبارزه برای حقیقت ونور هیچ مانعی را نمیشناسند ، وواژه های مایوسی وناامیدی برای آنها بیگانه است**

نقش قوای سرحدی در دفاع از انقلاب

اکنون که در برابر تحقق این امر مهم یعنی دفاع موثر از سرحدات جمهوری دموکراتیک افغانستان با پاکستان وایران و جلوگیری قاطع از نفوذ باندیت ها به سرحد ج.د.ا. قرار داریم، این پرسش به میان می آید که چگونه میتوان در این راه به پیروزی کامل نایل آمد؟

در گام نخست باید نیروهای سرحدی کشور از جهت کمیت و کیفیت نیرومند گردند، جلب و جذب جوانان به ویژه جوانان سلحشور اقوام و قبایل سرحدی، به قوای سرحدی از جمله کارهای مهمی در این راستا بشمار میرود. که با کار سیاسی – توده یی موثر دربین اهالی این مناطق وسیعاً امکان پذیر است.

«باید اهالی مناطق قبایلی در باره حقیقت سیاست حزب و حاکمیت انقلابی، در بارهٔ وضع کشور، جنایات ضد انقلاب و پلان ها و توطئه های شوم و سیاه باداران خارجی آن که تلاش می ورزند انقلاب ثور را سرکوب و وطن مارا بخون وطن پرستان آغشته و بعداً آنرا تجزیه کنند، بهتر آگاه و مطلع شوند.» باید اهداف و آرمان های انقلاب ثور و مرحله نوین آنرا به زبان خود آنها به ایشان قابل درک ساخت، تا هرچه آگاهانه تر و گسترده تر وارد معرکه گردند.

در رابطه با ارتقای کیفیت کار این نیروها، قوماندانان وکارکنان سیاسی سرتاسر ساختار تشکیلاتی قوای سرحدی وظیفه دارند که دروس نظامی و سیاسی را آن طوری که نیاز کار نظامی – انقلابی است به پیش ببرند. قوماندانان خاصتاً قوماندانان جزوتام های کوچك در پیشبرد تعلیم و تربیهٔ سربازان هرچه بیشتر سهم بگیرند، زیرا تحقق این امر مستلزم کار مشترك کارمندان سیاسی – ایدیولوژیك و مقامات سوق واداره است، صورت گیرد. مبدل ساختن دفاع وحفظ سرحدات به امر حیاتی قبایل ساکن مناطق سرحدی توجه درهمه عرصه های زندگی آنها رامی خواهد و بخاطر تعمیل این امر باید تمام ارگانهای حزبی و دولتی و به خصوص قوای سرحدی باید عنعنات، رسوم، عقاید «پیوند ها وروابط سنتی موجود قبایلی، تجاری، اقتصادی، فرهنگی وخویشاوندی و همچنان راه های عبور کوچی ها از جمله اهالی بومی» را جدا درنظر داشته باشند.

تاجایی که دیده میشود کارکرد های ارگانهای حزبی ودولتی در این زمینه ها هنوز ضعیف بوده و ارتباط موثر وارگانیك آنها با قطعات وجزوتام های قبایلی و ملیشیای سرحدی بمنظور سازماندهی بیشتر این نیروها در جهت دفاع از سرحدات وطن و آرمان های انقلاب طوریکه آرزو برده میشود تکمیل نگردیده است.

بنابر آن طوریکه رفیق ببرك کارمل گفته است:

«شعبات کمیته مرکزی، شورای وزیران، کمیته های حزبی و ولایتی، ارگانهای محلی حاکمیت بایدبرخورد خودرا نسبت به کار درمناطق سرحدی از ریشه تغییر داده و تدابیر موثری راجهت بهبود وضع موجود اتخاذ نمایند.»

امروز بسیج اقوام وقبایل به خصوص قبایل سرحدی در امر دفاع از سرحدات وطن مساله بسیار مهم، ملی وتاریخی است ودر چنین شرایط تاریخی که محافظت از سرحدات «به طور عموم کمپلکس مغلق و پیچیدهٔ تدابیردارای خصلت سازمانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تبلیغی وترویجی بهبودی بیشتر وقاطع فعالیت و رشد هم آهنگی وزارت ها، ادارات، ارگانهای محلی حزبی و دولتی رامی طلبد.»

به برخورد های ساده و میکانیکی و مخصوصاً به غفلت و بی پروایی درموزد این مسایل به هیچ قیمتی نباید اجازه داده شود.

ف. فکرت

حزب، مردم و قوای مسلح باهم اند



سربازان قوای مسلح قهرمان کشور با مورال عالی توانایی آنرا دارند که درهر گونه شرایط وظایف شانرا اجرا کنند.
عکس: امام نظر سرباز که در چندین فعالیت محاربوی علیه ضد انقلاب شجاعانه اشتراک ورزیده است.

معلومات پداگوژیک

موثریت آموزش

آموزش و پرورش موثر نظامی در اردو های طراز نوین از اهمیت ویژه یی بر خوردار است و این هم عمدتاً بدانجهت که، سربازان جدید الورود با طرز های تفکر و ریخت های مختلف شخصیت واردزندگی نظامی میگردند. بنابران وظایف قوماندانان، چه در حضر و چه در سفر در مورد خطیر ومهم است، قوماندانان جزوتام ها و قطعات، با وجود آنکه قرارگاه های مربوط در بخش های مختلف کار، مصروف اند و کارمندان سیاسی هم عهده دار مسوولیت هایی در زمینه اند با آن هم تمام این قدر تها نقش و مسوولیت قوماندانان را در رابطه با چگونگی آموزش و پرورش منتفی نمی سازد.

قوماندانان باید، به مقصد پرورش سربازان «...مصبرانه جد و جهد بخرج دهند که جریان دروس سربازان از حیث میتود یکی به طور صحیح و منظم پیشبرده شود....»

باید در نظرداشت که رویه وکرکتر قوماندانان برسربازان تاثیر زیادی دارد، زیرا آنها هم قوماندان بوده وهم نقش آموزگار مجربی را بعهده دارند، کار وعمل قوماندان همواره درمعرض دید زیر دستان قرار داشته ونتایج کار تربیتی آنها مربوط است به پیش آمد آنها و اینکه تا چه حدی بر اجرای وظایف و مسلك خود مسلط اند.

به خاطر اینکه قوماندانان خاصتاً قوماندانان جزوتام های کوچك بتوانند سربازان را بهتر بشناسند، باید مصاحبه های انفرادی را به مثابه یکی از ارکان مهم آموزش نظامی در نظر داشته وضمن این مصاحبه ها، صمیمانه و عاملانه تلاش ورزند که سربازان رابا تمام «خصوصیت های اخلاقی روحی، تمایلات و علایق آنها را درك کنند. وقتی چنین شناختی بوجود آمد، مسالهٔ سوق و ادارهٔ جزوتام ها و قطعات سهل تر وموثر تر میگردد.»

«شعبه نظامی»

غلبه بر مرگ

این نوشته خاطرهٔ قهرمانی یك پیلوت رزمندهٔ قوای مسلح ج.د.ا، است. در اینجا می بینیم که او چگونه تا آستان مرگ میرود، ولی با ارادهٔ بزرگ و ایمان به انقلاب از مرگ نجات مییابد. گزارش را خبر نگار روز نامهٔ ایزویستیا چاپ اتحاد شوروی در کابل تهیه نموده است که اخیراً در شماره (۱۷ جولای) آن روز نامه انتشار یافته و ما ترجمه آن را به دست نشر می سپاریم.

حوادث آن صبح مرگبار بود. قوماندان غند در بگرام چهار تن از پیلوتان را نزد خود خواسته و به آنها اظهار داشت:

«کشافان ما اطلاع داده اند که یك گروپ بزرگ ضد انقلابیون از سرحد گذشته و در نزد یکی شهر خوست اردوگاه ها و جبه خانه های مستحکم و بزرگی رابناء نهاده اند.

چنین به نظر میرسد که آنها تصمیم دارند در آنجا مدت طولانی باقی بمانند. وظیفه شما سقط پلان های آنها می باشد.»

ساعت ۹ صبح از میدان هوایی بگرام چهار طیاره پرواز نمودند.

وقتی که طیارات مذکور در بالای هدف رسیدند پیلوتان معتقد گردیدند که اطلاع کشافان دقیق است. در منطقه پهن و هموار خیمه های زیادی استاده بود در اینجا هیچ زنی، طفلی و مواشی خانگی دیده نمی شد. چیزیکه دراینجا توجه را جلب می کرد صرف مردان مسلح بودند که به مجرد دیدن طیارات فوراً به طرف دستگاه های ضد هوایی زینت وراکت ها دویدند...

فیر بالای طیاره شیرزی یکتن ازین پیلوتان به شدت آغاز شد. در طیاره تعادل بر هم خورده و شیرزی در ناحیه دست راست خود احساس شدید درد کرد. طیاره بسرعت به طرف صخره های سنگ پائین میامد. شیرزی صرف توانست تکمه میکانیزم نجات دهنده را فشار بدهد. با فشار تکمه سیستم پراشوت فعال گردیده و شیرزی از طیاره خارج شد. هنگام خروج شیرزی در زیر پای خود آتش ودود غلیظ را احساس کرد.

درهنگام فرود آمدن به زمین شیرزی به آسمان نگاه کرده ولی بیشتر ذهن اش متوجه زمین بود زیرا او نمی دانست که در زمین کی است. رفقای پیلوت او چون با سرعت پرواز میکردند متوجه شیرزی نگردیدند.

بعدها واضح ترشد که پیلوتان در گرد و خاك غلیظ متوجه شیرزی نشده و صرفا متوجه انفجار طیاره گردیدند. پیلوتان چون تصور می کردند که رفیق شان تلف شده است به رسم انتقامجویی چندین بار دربالای اردوگاه های دشمن دور زده و مواضع آنها راکوبیدند.

شیرزی در ۳۰۰ – ۴۰۰ متری اردوگاه دشمن به زمین نشست. هر لحظه احتمال آن میرفت که شیرزی را اسیر بگیرند. او به مجرد فرود آمدن به زمین فوراً به طرف پراشوت دوید و آنرا در بین سنگ ها پنهان کرد. شیرزی میدانست که تا خوست ۳۰ کیلو متر فاصله است او بدون تاخیر وقت فورا به جانب خوست حرکت کرده و بعد از گذشت چند دقیقه اولین دره را عبور نمود. در وقت پرتاب پراشوت از پاهای او بوت ها پریده او پا برهنه در بین سنگ ها حرکت می کرد. چون سنگ ها خیلی داغ و سخت بود، از این سبب او از سرعت خود کاست در منطقه هم چنان درختان زیاد بوده و این درختان برای شیرزی کمك نمود تا در حالت های خاص خود را در بین آنها پنهان نماید.

در چند لحظه استراحت او دست شکسته خود را با دستمال بسته کرده و در حالیکه شدیداً احساس درد می کرد و خون ازدست او جاری بود و تمام وجود اش را سرخ کرده بود، خواست از خون ریزی با وسایل دست داشته جلوگیری نماید، ولی در آنجا تصورات عجیب و غریبی درذهن اش خطور می کرد دست شکسته وخون ریزی شدید و راه پیمایی بدون پاپوش، گذشتن از منطقه دشمن همه آنها مشکلاتی بود که دربرابر او قرار داشت ولی او فکر می کرد همین که زنده است کافیست. به خاطر پیروزی او تلاش می ورزید زیرا در آن وقت او ارزش زندگی را به خوبی درك نمود.

شیرزی به ساعت دستی خود نگاه کرد ۴۰ دقیقه قبل او با رفقای خود از بگرام پرواز کرده بود. وظیفه آنها قبلاً خاتمه یافته و رفقای او واپس به بگرام رفته اند. باید عجله کرد حتماً یکی از باندیت ها متوجه پراشوت او شده است و ممکن به تعقیب اش برایند.

شعاع آفتاب در هرجا دامن کشوده بود. درختان مخروطی شکل از همدیگر خیلی زیاد فاصله داشتند بعضا فاصله آنها آنقدر می شد که سایه آنها احساس نمی گردید. بعد از طی مسافتی شیرزی را عطش تشنه گی فرا گرفت. ولی در آنجا در نزد یکی ها آب دیده نمی شد. گرچه چندی قبل در آنجا باران باریده بود ولی همه آبها از صخره های کوه به پائین ریخته بود.

شیرزی به سرعت به پیش روی ادامه داد. زیرا در عقب او صدای ((درپش)) شنیده می شد. ناگهان او در پای راست خوددرد شدیدی احساس کرد. وقتی نشست دید که در پایش چوب نوك تیزی فرو رفته است. حالا باید چطور رراه رفت؟ او با نگاه های غم انگیز به پیش روی خود نگاه کرد. وطیاره اش، قوماندانش و خانواده اش بیادش آمدند گویی همه به او می گفتند، حرکت کن تو هنوز انرژی داری؛ او آهسته بلند شد وبه راه پیمایی مجدد آغاز کرد. قبل از حرکت به ساعت خود نظر افکند ساعت ۱۱ بجه قبل از ظهر را نشان میداد.

تا ساعت دو بعد از ظهر او به راه پیمایی ادامه داد. او دیگر به جسم بی جانی مبدل شده بود. خون از سراپایش جاری بود و در عقب اش رده سرخی را به جا می گذاشت پاهای او ورم کرده و کبود شده بودند و حلق اش کاملا خشك و زبانش سخت شده بود. جایی وجود نداشت که از شعاع داغ آفتاب بفرار نماید، هر جا یك نوع بود و شعاع آفتاب در همه جا مساویانه پخش می گردید. چند کیلو متر دیگر تا خوست باقی است، این را هم نمی دانست ولی او میدانست که در پیش روی اومشکلات بیشتر قرار دارد.

شیرزی در آنجا بی هوش شد. وقتی به حال آمد تمام وجودش درد می کرد، او چنین احساس می کرد که در وجودش نقطه سالمی وجود ندارد، زیاد تمایل به آب داشت ولی در این منطقه کوهستانی از کجا میشد آب پیدا کرد.

در همین زمانی که او از تمام بدنش شکایت داشت و تشنه گی زیاد رنجش می داد، ناگهان فکر ساده و حتی آرام کننده در ذهنش خطور کرد: ((راه پیمایی بی فایده است، من دیگر حتی یك متر هم رفته نمی توانم، چشم های خود را بسته و خواب می کنم. تنها تا از دست دادن هوش بآید کتابچه پرواز و نقشه هارا نابود کرد.))

بعداً او به فکر فرو رفت، در مورد چهار سال خدمت خود، در مورد اضافه از ۳۰۰ پرواز خود، در مورد سال های تحصیل درشوروی و در مورد فامیل و بالاخره ۲۵ سال زندگی خود فکر کرد و به این نتیجه رسید که این فکر خام را ازذهنش دور نماید. او با انرژی تازه باز هم ایستاد و به پیش گام نهاد. و وقتی او خواست از پهلوی سنگی بزرگی عبور نماید. تصادفاً متوجه گردید که چند نفر مسلح (۲۰ نفر) از آنجا می گذرند، او از طرز رفتار آنها فهمید که در تعقیب او نیستند. شیرزی خود را در پشت سنگی مخفی کرده و متوجه پاهای آنها گردید و دید که آنها بوت های مستحکم نظامی ساخت پاکستان را دارند، با این بوت ها او اشنایی داشت زیرا در چندین وظیفه تعداد زیادی ازاین بوت هارا بدست آورده بود.

او خیلی آهسته حرکت کرده وبعد از هر صد قدم بزمین می افتاد و با دشواری در انتظار بازگشت نیروی تازه می بود بعد از جمع آوری اندك نیرو. دست شکسته خود را در زیر پیراهن قرار داده و با تحمل درد شدید به مشکل سردوپا قرار گرفت و به حرکت ادامه میداد. در طول راه او چندین بار بی هوش گردید. ساعت ۹ شب او متوجه شد که دارد عقل خود را از دست میدهد. درزمین دید که ستاره ها می درخشند، سر خود را به طرف آسمان بلند کرد دید که ستاره ها در آنجا قرار دارند عجب؟ چند قدم سریع به پیش نهاده و به ساحل جهیل کوچك رسید و فورا به نوشیدن آب پرداختو بازهم بی هوش شد.

بعد از گذشت چند لحظه او احساس سردی کرد. متوجه شد که در بین آب افتاده است با زهم خوشبختی، زیرا مقدار آب جهیل خیلی کم بود در غیر آن احتمال غرق شدنش میرفت. ازآب بلند شدبا نیروی تازه به پیش روی خود ادامه داد.

در نصف های شب بود که شیرزی توانست خود را به اولین پوسته نیروهای مسلح افغانستان برساند که در هشت کیلو متری خوست قرار داشت.

درآخرین دقایق اودیگر راه رفته نمی توانست، بلکه می خزید.

شیرزی بعد از اینکه معتقد شد، پوسته قوای مسلح است با آهسته گی صدا کرد رفقا! شعاع پروجکتور را به طرف او توجیه کردند. ((دست ها را بالا گرفته و به طرف ما بیا! تو کی هستی؟))

من پیلوت هستم. از خود... امروز صبح طیاره من را سقوط دادند... عساکر میدانستند که امروز صبح در نزد یکی سرحد چه حادثه رخ داده است آنها با تعجب و خوف به آدمی نگاه می کردند که خون آلود در پیش روی آنها قرار داشت. لباس او و حتی تمام بدنش تکه و پارچه و باخاك و خون آلوده بود. درلحظه که همه به شیرزی نگاه می کردند و ساعات سختی را که او در پشت سر گذاشته بود. در ذهن خود خطور می دادند، شیرزی به زمین نظر افکنده و آهسته نشست و با زهم به حالت کوما فرو رفت. قوماندان پوسته تا صبح از او مراقبت کرد، صبح هیلکوپتر آمده او را به خوست و بعداً به کابل انتقال دادند.

شیرزی یك سال زیر معالجه قرار داشت، دکتوران افغانی و متخصصین اتحاد شوروی توانستند صحت از دست رفته او را باز گیر دانند فعلاً او کاملاً صحت است، صرف از ناحیه دست راست خود که چهار بار مورد عملیات جراحی مغلق قرار گرفت کمی شکایت دارد.

من با شیرزی در نزدیك طیاره ملاقات نمودم، لباس تورنی در تن داشت و در سینه اش مدال درفش سرخ دیده میشد. این مدال را او به خاطر قهرمانی های خود بدست آورده است. از او پرسیدم که حالا چه مصروفیت دارد؟ در جواب سوالم گفت که باز هم در هوا. لبخند در دهان او ظاهر شده و ادامه داد که موقتاً در طیارات ترانسپورت خدمت می نمایم. تازمانیکه ضد انقلاب کاملاً نابود نگردد من هم پرواز های خود را قطع نمی نمایم.

ترجمه حمیدالله

از کشورهای سوسیالیستی



۲۷ مین کنگره ح.ک.ا.ش

افزایش حقوق تقاعد و مدد معاش در اتحاد شوروی

یکی از پرنسیپ های اساسی حکومت شوراها — تقسیم کار در آن کشور و پرداخت دستمزد ها و حقوق تقاعد مطابق به کار میباشد. در اتحاد شوروی درآمد فامیل ها نه تنها تابع کارآنها بلکه موافق به تعداد اعضای فامیل (تعداد اطفال و نوجوانان) آن تنظیم میگردد.

افزایش منظم سطح دستمزد ها و منجمله حد اقل معاش و اتخاذ تدابیر مختلف بخاطر بهبود وضع متقاعدین و همچنان کمک به مادران طفل دار همیشه در صدر توجه حزب و دولت شوروی قرار داشته است. به طور نمونه حد اقل معاش از سال ۱۹۷۵ الی سال ۱۹۸۵ از چهل و شش روبل تا یکصدو نودویک روبل در ماه بالا برده شد.

صرف در پلان پنجساله جاری در تقاعد متقاعدین کمک به مادران طفل دار و همچنان کمک مادی به مادران حامله افزایش رونما شده و درنظر است تا برای مادران تایک سال بعد از ولادت

علاوه از کمک های مالی رخصتی یک ساله با معاش داده شود.

تمام این تدابیر باعث شده است تا در تعداد فامیل هایی که درآمد کم دارند، کاهش رونما گردد. در مورد کافیست ارقام زیر تذکر داده شود. اگر در سال ۱۹۷۰ صرف هجده در صد مردم در فامیل های زندگی میکردند که درآمد هر عضو آن از صد روبل تجاوز می کرد، امروز این رقم تا شصت در صد رسیده است.

در اتحاد شوروی چندی قبل مصوبهٔ جدیدی تصویب گردید. در مصوبه جدید بهبود در وضع زندگی کتگوری معین از مردم نیز در نظر بوده و توجه عمده به کسانی معطوف شده است که درآمد کم دارند. در پلان پنجساله جاری قرار است که از اول نوامبر امسال در تقاعد کارگران و کارمندان تا چهل روبل افزایش در ماه رونما گردد.

از تسهیلات فوق الذکر اضافه از چهارده میلیون نفر بهره مند گردیده و همچنان در مصوبه مذکور به شوراهای شهری وولایتی دستور صادر گردیده است. تا از بودجه دست داشته خود به متقاعدین که

به کمک عاجل ضرورت دارند، کمک های لازم مادی را در اختیار آنها بگذارند (اندازه کمک ها و اضافه تقاعد نباید از پنجاه روبل در مجموع تجاوز نماید.) در مصوبه جدید افزایش سی روبل در ماه به اتباع مجرد که حقوق تقاعد ندارند نیز در نظر گرفته شده است. همچنان تدابیر کمپلکسی روی دست است که به موجب آن در اتحاد شوروی خانه های مخصوص کهن سالان بدون فامیل که مجهز با تمام وسایل لازم وضروری برای آنها می باشد، اعمار میگردد.

در مصوبه جدید برعلاوه تدابیر بالا به فامیل هایی که تعداد اطفال شان زیاد است ودرآمد کم دارند نیز توجه جدی مبذول گردیده است. قبلا به همچو فامیل ها صرف تا سن هشت ساله کمک مادی داده میشد، در مصوبه جدید برعلاوه اینکه درمقدار کمک ها افزایش رونما شده کمک مذکور تا سن دوازده سالگی ادامه می یابد. در مصوبه جدید تسهیلاتی ضروری برای خانم های که در قطعات قوای مسلح و خدمات عاجل ایفای وظیفه میکنند، نیز در نظر گرفته

شده و قرار است، برای این خانم ها کمک های مالی توأم بارخصتی های طولانی با معاش در صورت ولادت داده شود.

نباید تصور کرد که تدابیر مذکور به خاطر افزایش سطح تولیدات روی دست گرفته شده است. همین حالا سطح تولیدات در اتحاد شوروی کاملا عادی بوده همه ساله درآن افزایش قابل ملاحظه رونما میگردد. به طور مثال اگردر سال ۱۹۸۰ برای هر هزار تبعه شوروی ۱۸،۳ تولد میرسید رقم مذکور در سال ۱۹۸۴ به نزده اعشاریه شش در هر هزار نفر رسید موقرار است الی اخیر دهه جاری در رقم مذکور باز هم صفر اعشاریه نه در صد دیگر افزایش رونماگردد.

مصوبه جدید وظایف مشخص را در مقابل سازمان های حزبی وادارات دولتی نیز قرار داده است.

سازمان های حزبی موسسات و ادارات دولتی وظیفه دارند تا هرنوع کمک مالی و معنوی را از راه های مختلف به اشخاص کهن سال بدون فامیل به شکل تیمومیت ارائه نمایند.

ترجمه ذمریالی

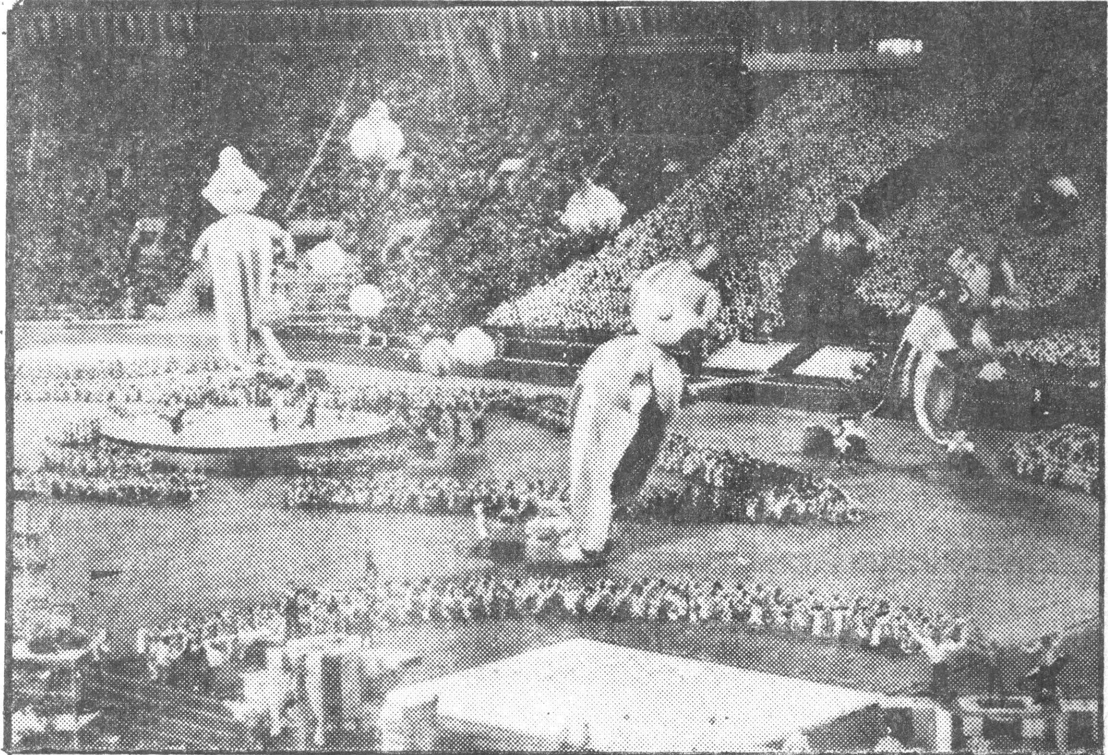
دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان ومحصلان که اخیرادر شهرزیبای مسکوپایان یافت، نقطه عطف درزندگی جوانان جهان به شمارمیرود واز اهمیت فوق العاده در حیات سیاسی واجتماعی جوانان جهان برخوردار است. این فستیوال بزرگترین رویداد سال بین المللی جوانان محسوب میگردد

قبل از همه فستیوال جوانان و محصلان پاسخ روشن و قاطعی در برابر سیاست جنگ افروزانه محافل امپریالیستی در راس امپریالیزم ایالات متحده امریکا بود که با طرح ها و اقدامات وحشیانه تجاوزگرانه خود بیش از همه میخواهد جهان وتمدن وفرهنگ انسانی رابه پرتگاه نیستی و نابودی بکشاند.

عکسها: ● مراسم پایان فستیوال در استدیوم مرکزی شهر مسکو بنام لنین.

● یکتن از شرکت کنندگان فستیوال.

● کلوپ جوانان افغانستان در فستیوال مسکو. عده از مهمانان حین بازدید از کلوپ جوانان افغانستان.







ثمرهٔ دوستی و همکاری

هانوی:

قسمت اعظم ماشین آلات جمهوری سوسیالیستی ویتنام در فابریکه های تولید میگردد که به اساس مساعدت های تخنیکی اتحاد شوروی درویتنام اعمار گردیده است.

با اعمار فابریکه ماشین سازی نمبر اول هانوی که درسال ۱۹۵۸ مورد بهره برداری قرار گرفت اساس رشته جدید صنایع درویتنام گذاشته شد.

در فابریکه مذکور بیش از شش هزار کارگر فنی در بیست رشته تخصصی هم چنین بیش از یکهزار انجنیر و تخنیکر ماهر تربیه شده است. تعداد زیادی از متخصصین و ویتنامی تحصیلات خودرا در اتحاد شوروی وبه خصوص در فابریکه «پرولتاریای سرخ» مسکو به پایان رسانیده اند. همچنان به کمک اتحاد شوروی در شهر هانوی مکتب مسلکی وتخنیکی اعمار گردیده است.

پایان فستیوال

طی هفته گذشته دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و محصلان که در مسکو برگزار گردیده بود با مراسم باشکوهی پایان یافت. از ۵۷ کشور جهان بیش از بیست هزار جوان که دارای عقاید گوناگون سیاسی، فلسفی و مذهبی بودند در این فستیوال اشتراک نموده اند. در پیام هیئات های نماینده گی جوانان شرکت کننده مخطاب به جوانان و محصلین جهان از جمله تاکید گردیده است که تفاوت قابل درک در افکار و عقاید نسل جوان پیرامون برخی مسایل نمی تواند از تمرکز عمده توجه نماینده گان جوانان شرکت کننده در این گردهمایی عظیم به امر فوق العاده مهم مبارزه برای تحقق همه جانبه حق مسلم هر انسان، برای زنده گی در شرایط صلح آمیز جلوگیری نماید. فستیوال مسکو با تاکید بر شعار هشدار دهنده فاجعه هیروشیما وناگاساکی هرگز نباید تکرار شود، ازجوانان تمام کشور ها صرف نظر از عقاید سیاسی، فلسفی و مذهبی دعوت نموده است تابرای متوقف ساختن نیروهای جنگ طلب متحداً مبارزه نمایند.

فستیوال مسکو در سطح جهانی با انعکاس وسیعی روبرو گردید. امریونسکو آنرا مهم ترین رویدادسال بین المللی جوانان ارزیابی نموده است.

اعلامیه لیما

دریک گردهمآیی متشکل از روسای جمهور کشور های ارجنتاین، بولیویا، کولومبیا، پاناما، پیرو، یوروگوای، ونزویلا، مکزیکو وتعداد دیگری از کشورهای امریکای لاتین که در لیما پایتخت پیرو برگزار گردید، پروبلم های مهم منطقه مورد بحث قرار گرفت ودر پایان اعلامیه ای انتشار یافت.

در اعلامیه مزبور تاکید شده است که به بحران امریکای مرکزی باید ازطرق مسالمت آمیز خاتمه داد ودر این ارتباط از اقدامات گروپ کشور های «کانتادورا»، پشتیبانی شده است. اهمیت صدور این اعلامیه بیشتر ازین لحاظ برجسته است که در شرایطی انتشار می یابد که ایالات متحده با تهدید مداوم تجاوز مستقیم به نیکاراگوا، سیاست تشنج فزایی خودرا لجوجانه درامریکای مرکزی ادامه میدهد.

امضاء کنندگان «اعلامیه لیما» سیاست تولید فزاینده سلاح های هسته ای و غیر هسته ای که صلح و امنیت جهان را به مخاطره افگنده است محکوم نموده و بر سیاست کاهش هزینه های نظامی وافزایش تخصیص بودجه های اجتماعی وکمک به کشور های نیازمند صحه گذاشته اند.

تمرین تجاوز درافریقا

به تاریخ چار اگست مانور نظامی مشترک ایالات متحده ومصر بانام «ستاره درخشان ۸۵» درقلمرومصرآغاز گردید.

در طی شش سال گذشته این چهار مین مانور نظامی مشترک امریکا و مصر است



جهان در هفته

مروری بر وقایع مهم

که در سواحل دریای نیل انجام میشود. ناظرین عرب دراین رابطه اظهار میدارندکه پنتاگون این تمرینات نظامی را باهدف مداخله مسلحانه در منطقه شرق و شمال افریقا وبرای آموزش قوای مداخله گر خود انجام میدهد.

در اجرای این تمرین تجاوز، واحد هایی از کشور سومالیا نیز شرکت دارند. همین موضوع باعث گردیده است که وزارت خارجه اتیوپیا ضمن برشمردن تاثیرات مخرب این قبیل تمرینات نظامی در منطقه شاخ افریقا، به این مانور اعتراض نماید. دراطلاعیه وزارت خارجه اتیوپیا تاکید شده است. در شرایطی که سومالیا با هدف آسیب رساندن به تمامیت ارضی اتیوپیا سیاست تجاوز کارانه خودرا ادامه میدهد، انجام مانور های پنتاگون درنزدیکی سرحدات اتیوپیا بخصوص خطرناک میباشد.

ایالات متحده یکی ازکشور های است که به تسلیح رژیم توسعه طلب سومالیا با سلاح های عصری ادامه میدهد. ادامه این سیاست که در جهت قدرت نظامی بیشتر رژیم سومالیا میباشد به دور جدید سیاست تشنج فزایی در منطقه شاخ افریقا منجر میگردد. تلاش برای ملیتاریزه کردن این منطقه از قاره افریقا در جهت خنثی کردن مساعی کشور های است که برای انکشاف اقتصادی این منطقه کوشش مینمایند.

خطر آتش هسته یی

رژیم خونتای نظامی، چیلی رسماً به ایالات متحده اجازه داده است تا جزیره شرقی این کشور را برای فرود های اضطراری سفینه های «شاتل» مورد استفاده قرار دهد. آژانس خبررسانی آسوشیتدپرس دراین ارتباط گزارش داده است که در باره این موضوع یک قرار داد هشت ساله بین وزیر امور خارجه چیلی و سفیر ایالات متحده در این کشور درسانتیاگو به امضا رسیده است.

امضای این موافقتنامه با اعتراض شدید افکار عمومی مردم چیلی مواجه گردیده است. نگرانی مردم چیلی ازاین حقیقت سر چشمه می گیرد که سفینه های «شاتل» در پروگرام انکشاف «جنگ ستاره گان» پنتاگون جای مهمی را اشغال مینمایند. همکاری های ایالات متحده در امور بحری که قرار است در اطراف جزیره شرقی چیلی صورت گیرد، میتوانند به استقرار سلاح های هدایت شونده از تحت البحری ها و یابمب افگن های ستراتیژیک امریکایی در این منطقه منجر گردد.

خطر راست های افراطی

گروپ های راست افراطی درایالات متحده که از نظر مساعد و حمایت قصر سفید بر خوردار میباشند تلاش میورزند تانفوذ خود را در سیاست خارجی ایالات متحده گسترش بخشند. در طی هفته گذشته گردهم آیی ائتلاف جدید بیست و پنج سازمان دست راستی افراطی امریکا در واشنگتن برگزار گردید.

در این گردهم آیی درپیش گرفتن سیاست تجاوز کارانه تر در عرصه بین المللی از سوی اداره واشنگتن مورد تائید قرار گرفت. راست های افراطی ایالات متحده که درس های تلخ جنگ جهانی دوم را به فراموشی سپرده اند، به منظور به اصطلاح «حفظ منافع ملی»، بر استفاده از قدرت نظامی در نقاط مختلف جهان تاکید نمودند. آنان برای ریشه کن ساختن «لیبرالیزم خطرناک» که گویا در دستگاه دولتی در حال رشد میباشد یک کمپاین سراسری را اعلام نمودند. راست های افراطی ایالات متحده که از اعمال سیاست های جنایتکارانه امپریالیستی کنونی که به دست اداره ریگن به مرحله اجراء در می آید بهیچوجه راضی نیستند، علل رشد این «لیبرالیزم» را متوجه حکومت امریکا میدانند که از شروع «جنگ صلیبی» علیه کشور های سوسیالیستی طفره میرود.

گردهم آیی ائتلاف جدید بیست و پنج سازمان دست راستی ایالات متحده اصرار ورزید که در عرصه سیاست خارجی زمام امور بدست «امریکایی های واقعی» سپرده شود. خطر راست افراطی در غرب به خصوص ایالات متحده جدی است. این انتی کمونیست های دوآتشه آماده اند تا جهان را در لبه پرتگاه فاجعه هسته ای قرار دهند.

چهلمین سال جنایت بزرگ

ششم اگست امسال مصادف بود با چهلمین سالگرد بمباران اتمی هیروشیما و ناگاساکی. در جریان این جنایت بزرگ ایالات متحده بیش از دوصد هزار نفر از مردم این دوشهر جاپان به نحو دردناکی به قتل رسیدند.

به مناسبت سالگرد این قتل عام اتمی که در تاریخ بشریت بی سابقه است، مراسم بسیاری در کشورهای مختلف جهان برگزار می گردد. به ابتکار شاروال های هیروشیما وناگاساکی بتاریخ پنجم اگست نخستین کنفرانس شاروالی های جاپان باهدف همبستگی شاروالی ها برای مساعی صلح در هیروشیما گشایش یافت. هیات های نماینده گی از شصت و هفت شهر جاپان در این کنفرانس اشتراک ورزیده اند. علاقمندی گسترده عمومی در مبارزه برای نابودی سلاح های هسته ای و کوشش برای یافتن طرق در پیش گرفتن اقدامات مشترک برای تضمین جهان بدون جنگ و سلاح های هسته ای در این گردهمآیی موردبحث می باشد.

شعبه مسائل بین المللی

اخبار خارجی، واقعیت ها، حوادث

تقاضا به پیروی از مثال شوروی

در بیانیه دفتر دایمی سازمان همبستگی مردمان افریقا، آسیاکه در قاهره به نشر رسیده اظهار شده که سازمان همبستگی مردمان افریقا، آسیا، (اپسو) ازقدرت های ذروی تقاضا کرد تا از مثال اتحاد شوروی پیروی نموده برتمام انفجارات اتومی رعایت مهلت رانافذسازند.

در بیانیه علاوه شده: ابتکار جدید اتحاد شوروی قدم مهمی است در راه منع کامل آزمایشهای ذروی و توقف مسابقات تسلیحاتی در سند تاکید بعمل آمده بیانیهٔ اتحاد شوروی از برخورد مسوولانه آنکشوردر قبال حل مسایل اساسی‌عصر ما گواهی میدهد واز استقبال گرم تمام جامعه مترقی جهان برخوردار میباشد.

در سند مذکور اظهار شده کلاهك های اتومی ونیوترونی موجود در جهان به مقایسه‌بم اتومی که دقیقاً چهل سال قبل بر هیروشیما فرو ریخته شد، هزار ها مرتبه پرقدرت تر میباشد واز پیرو زندگی بر روی زمین بخطر نابودی کامل مواجه است اما نیرو های امپریالیستی آنرا نادیده میگیرند.

بیانیه در اخیر می افزاید صرف مساعی هماهنگ کلیه مردمان بااحساس‌جهان‌میتواند ازیك فاجعه ذروی جلو گیری کند ما ازتمام بشریت صلح‌دوست تقاضا داریم که از پیشنهاد های اتحاد شوروی جانبداری نمایند.

باختر

وقاحت ملیتاریست ها

اعلامیه رفیق م.س گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی مبنی براینکه کشور شوراها از تاریخ ٦ اگست (چهلمین سالگرد جنایت اتمی امپریالیزم ایالات متحده در جاپان)، به طور یك جانبه کلیه آزمایشات هسته ای خود را تا اول جنوری سال ۱۹۸٦ قطع می نماید، دعوت از ایالات متحده برای پیروی از این ابتکار مهم و اعلام اینکه در صورت پذیرش طرف ایالات متحده این مدت می تواند تمدید گردد، در عرصه بین المللی با دوواکنش متضاد رو برو گشته است.

طیف وسیع نیرو های صلح دوست، کلیه کسانی که برای جهانی فارغ از وحشت هسته ای مبارزه می کنند، از ابتکار جدید صلح اتحادشوروی با خوشنودی استقبال نموده اند. در قطعنامهٔ شورای جهانی صلح که با اتفاق آرا مورد تایید قرار گرفته است تاکید شده است که برای مردم اتحاد شوروی پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی دستیابی به خلع سلاح و از میان برداشتن خطر هسته ای نه یك رویا و تخیل بلکه هدفی است قابل حصول.

تبصرهٔ ما

سازمان همبستگی خلق های اسیا، افریقا (اپسو) ضمن صدور بیانیه ای در این رابطه و ابراز پشتیبانی قاطع از ابتکار جدید اتحاد شوروی، از تمام قدرت های هسته ای خواسته است که از سر مشق اتحاد شوروی برای قطع تمام آزمایشات هسته ای پیروی نمایند.

«سازمان بین المللی دوکتوران برای جلو گیری از جنگ هسته‌یی» که ۱۳۵۰۰۰ دکتور از ٤١ کشور جهان در آن عضویت دارند از رئیس جمهور ایالات متحده درخواست نموده است تا به پیشنهاد اتحاد شوروی پاسخ مثبت دهد. یکصد و پنجاه تن از رهبران سازمان های صلح ایالات متحده از رئیس جمهور این کشور تقاضا نموده اند تا این ابتکار صلح را بپذیرد و...

ولی در مقابل، اداره ریگن که در حال حاضر در راس تمام آن نیروهای امپریالیستی قرار گرفته که با اصرار جنون آمیز بر مدرن ترساختن زرادخانه هسته ای خود، با آتش یك فاجعه اتمی بازی می کنند، راه دیگری در پیش گرفته است قصر سفید که در برابر سیاست پیگیر صلح اتحاد شوروی، سیاست خطرناك و نابخردانه برتری نظامی تسلیحات هسته ای را بر گزیده است، مانند موارد مشابه به قبل، با لفاظی وعوامفریبی نازل به عکس العمل در مقابل ابتکار صلح متوسل گردیده است. سیاست سازان واشنگتن که قبل از اعلام رسمی ابتکار جدید شوروی از محتوای آن اطلاع حاصل نموده بودند، با عجله دست بکار شدند و برای اینکه به اصطلاح از قافله عقب‌نمانند شتاب زاده اعلام کردند که از اتحاد شوروی دعوت می نمایند تا برای نظارت بر انفجار زیر زمینی یك بمب هسته ای که قرار است در ایالت نوادا ایالات متحده صورت پذیرد، هیاتی رابه این کشور اعزام دارد. جالب توجه اینکه این به اصطلاح «(پیشنهاد برای ایجاد جو اعتماد متقابل)» ده ماه قبل نیز از سوی قصر سفید ارائه شده بود و در همان تاریخ نیز با مخالفت اتحاد شوروی مواجه گردید. نکته جالب تر اینکه تعجیل ارائه دهنده گان برای اینکه چند ساعتی زود تر از اعلام رسمی ابتکار جدید اتحاد شوروی، «(پیشنهاد)» ایالات متحده نشر یابد، به قدری بوده است که حتی فراموش کرده اند تاریخ «(انفجار نوادا)» را نیز ذکر نمایند.

در طی چند روز بعدجورج شولتز وزیر خارجه ایالات متحده و سپس‌حتی شخص ریگن مجبور گردید در برابر سوال خبرنگاران از سیاست خودمبنی بر علل عدم پذیرش‌پیشنهاد اتحاد شوروی دفاع نمایند. شولتز به این ادعای‌مبتذل متوسل گردید که تعداد آزمایشات هسته ای اتحاد شوروی در مجموع بیشتر از ایالات متحده بوده است. ریگن نیز در جریان کنفرانس مطبوعاتی خودریاکارانه گفت، قبول این پیشنهاد به نفع اتحاد شوروی تمام خواهد شد، زیرا ایالات متحده‌باید «آزمایشات خودرا تکمیل کند»! ووقتی مجددا از وی سوال گردید آقای رئیس جمهور! بالاخره این «(آزمایشات)» در چه تاریخی تکمیل خواهد گردید؟ هنر پیشه سابق خود را به تجاهل زد و گفت «(نمیدانم. نمیدانم)» **حسین**

جمهوری مردم کمپوچیا برروی زخمهای ناشی ازاعمال ضد انسانی وجنایتکارانهرو دسته پولپوت‌وتوسعه طلبان پیکنگ مرهم‌میگذارند. فابریکه‌نساجی، فابریکه رابر، وشفاخانه ها، کلینیك ها ومکاتب درحال حاضر بنابر پلان های منظم دولت مجدداً به فعالیت آغاز نموده اند. درعکس صنف درسی راکه‌دراین اواخر در فابریکه نساجی افتتاح گردیده نشان میدهد.

امضاء موافقتنامه

کار هفتمین کمیسیون مشترك جمهوری دموکراتیک افغانستان وجمهوری هند به اشتراك هیات های عالیرتبهٔ دو کشور ادامه دارد.

طبق یك اطلاع دیگر از دهلی موافقتنامه همکاری فرهنگی بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری هند برای سالهای ۱۹۸۵ الی ۱۹۸۷ بعداز ظهر دیروز در دهلی بامضاء رسید.

موافقتنامه را معاون کمیتهٔ دولتی پلانگذاری جمهوری دموکراتیک افغانستان‌وسکرتر کلتوری دولتی‌هندامضاءنمودند

خاتمه دادن به تروریزم

راجیو گاندی صدراعظم هند از تمام نیرو های وطن‌پرست آنکشور خواسته است تا در مبارزه علیه افراطی های که توسط بعضی از کشور های غربی و پاکستان حمایت میشوند و در صدد جدا ساختن‌ایالت پنجاب از هند و تشکیل دولت دست نشانده خالصتان در ایالت پنجاب هند می باشند به پا خیزند.

راجیو گاندی تذکر داد که در نتیجه موافقتنامه حاصل شده میان حکومت مرکزی هند و رهبری حزب اکالی دال سکهه در مورد پنجاب اوضاع در پنجاب به حالت عادی بر میگردد.

تخصیصیه برای آموزش باندیتها

مطابق به گزارش روزنامه واشنگتن پست کنگره ایالات متحده امریکا تعدیلی را در لایحه تخصیصیه های سازمان اطلاعات ایالات متحده‌امریکا برای سال مالی ۱۹۸٦ تصویب کرد که از جمله نیم ملیون دالر برای آموزش‌ضد انقلاب افغانستان در کاربرد روش های تبلیغاتی تخصیص داده شده است.

سناتور گوردن همفری جمهوریخواه از ایالت نیو همشایر گفت این پول توسط ضد انقلابیون افغانی یکجا با متخصصین سازمان اطلاعاتی امریکا برای تولید فلم ها و سایر مواد تبلیغاتی بمصرف برسد که بعد تر بدسترس استفاده شرکت های تلویزیون ایالات‌متحده امریکا قرار گیرد.

با تشدید جنگ اعلام ناشده علیه مردم افغانستان واشنگتن این جنگ را با اعمال خصمانه ایدیولوژیکی علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان توام ساخته است.

پس از شکست فاشیزم

پوتسدام سال ۱۹٤۵

در هفده جولای امسال چهل سال از افتتاح کنفرانس پوتسدام سپری گردید. سران کشور های اتحاد شوروی، ایالات متحده امریکا وانگلستان در حومه برلین در ملاقات نهایت مهم وطولانی زمان جنگ جهانی دوم گرد آمده اند. سران این دول بعد از شکست قطعی فاشیزم و حصول پیروزی در پوتسدام گرد آمده تا موضوعاتی را که شکست فاشیزم در مقابل آنها قرار داده بود، مورد بحث‌ومذاکره قرار دهند.

در پوتسدام در برابر کشور های پیروزمند اداء رسمی سوگند زیر قرار داشت:

رفع تمام علل سیاسی – اقتصادی و اجتماعی جنگ از طریق ایجاد همکاری نزدیك و ثابت بین مردمان خلقهای جهان از اشتراك کنندگان کنفرانس تظمین واقعی را انتظار داشتند که آلمان دیگر هرگز همسایه‌گان خود را مورد تهدید قرار نمی دهد. در کنفرانس موضوعات دیگری از قبیل احیای زندگی نورمال در اروپای بعد از جنگ وایجاد مناطق صلح در جهان نیز مورد بحث قرار گرفت.

مسلماً کنفرانس مذکور نمیتوانست لغو کامل منابع تجاوز را در شرق دور و شکست هر چه زودتر ملیتاریزم جاپان را نادیده بگیرد. از این سبب‌موضوع فوق در اجندای کنفرانس شامل گردید و مسایل دورنمای شرکت اتحاد شوروی در جنگ علیه جاپان در این کنفرانس نیز مورد ارزیابی قرار گرفت. گرچه در واشنگتن هشتم ماه اگست آغاز حمله وسیع بر جاپان را تعیین کرده بودند، اما این پلان در اواخر ماه می اعلان گردیده و چنین نظر وجود داشت که تا هشت اگست اتحاد شوروی می تواند آمادگی وسیع جنگی را علیه اردوی «کوانتونگ» بگیرد، که بزرگترین اردوی جاپان درشرق دور بود. در هفده جولای ترومن رئیس جمهور امریکا در ملاقات خود با استالین آشکارا اعتراف نمود که ایالات متحده به خاطر شکست کامل جاپان به کمك اتحاد شوروی نیاز مبرم دارد. رئیس‌دولت اتحاد شوروی به ترومن اطمینان داد که اتحاد شوروی‌پیگیرانه تعهد خود را عملی مینماید.

حالا ببینیم بعد از کنفرانس پوتسدام چه حوادثی رخداد. چرچیل ترومن را تحریك میکرد تا هر چه زودتر یعنی تازمانی که نیرو های انگلیسی و امریکایی از قاره اروپا به شرق دور انتقال نمایند، به جانب شوروی «درس‌عبرت» داده شود. صدراعظم انگلستان این تحریکات را نه تنها جدی انجام داده بلکه به قوماندانی عالی‌نیرو های سلطنتی انگلستان وظیفه داد تا وریانت‌عملیات نظامی ضد شوروی را مورد مطالعه قرار دهد. زیرا ممکن در جریان مذاکرات مشکلات ایجاد گردد که حل آنرا باید از طریق نیرو های مسلح جستجو کرد.

همه میدانستند که ترومن از همه بیشتر در جهان از مشهور شدن «ضعیفان» در هراس بود. او به هر قیمت ممکنه میخواست از زیر سایه خلف مشهور خود روزولت که دوازده اپریل ۱۹٤۵ به صورت ناگهانی وفات نمود، بیرون برآید. بدون مشوره چرچیل او حتی بیست و سه اپریل‌در هنگام صحبت با و. م مولوتف که به خاطر شرکت در کنفرانس سازمان ملل به ایالات متحده رفته بود، تلاش ورزید جریان مذاکرات را برهم بزند. بعدها سفیر امریکا در مسکو «هایرمن» نوشت: «من متاثر شدم‌که ترومن به این عمل دست زد. زیرا همچو برخوردی به مولوتف اجازه میداد تا به ستالین خبر دهد که سیاست روزولت دیگر ادامه داده نمی شود» به این ترتیب بدون اینکه به تعهدات توجه گردد، آشکارا در جهت رویارویی با اتحاد شوروی پرداخته شد. رئیس جمهور ایالات متحده امریکا بجواب تقاضای نظامی لندن، تلگرافی به آن کشور به‌متن زیر ارسال داشت: «من ترجیح میدهم تاقبل ازمنظوری مشی پیشنهادی صدراعظم باید منتظر انکشاف حوادث بود.» کدام حوادث؟

ایالات متحده امریکا در جنگ با جاپان به کمك انگلستان و اتحاد شوروی نیاز داشت. یك دلیل دیگر نیز موجود بود که آنرا واشنگتن حتی از چرچیل نیز پنهان میکرد. ترومن ومشاورین نزدیك اوچنین نظر داشتند که تقسیم نیرو ها موضع ایالات متحده امریکا را در پشت میز مذاکره «به عوض‌ثبات» بی پایه می سازد. گ. استیمسون وزیر جنگ امریکا آمر خود را به «انجام ریسك بجای دیپلوماسی بزرگ» تشویق میکرد. او به متخصصین نظامی‌دستور داد تا بمب اتم را قبل از آغاز ملاقات با روس ها باید بطور کاملا عاجل آزمایش نمایند. تا روس ها بدانند که «امریکایی هااین سلاح را در اختیار دارند»، امریکایی ها تفوق خود را بالای اتحاد شوروی در انجام آزمایش بمب اتومی میدیدند.

ازاین سبب افتتاح کنفرانس پوتسدام نظر به دلایل مختلف به تعویق انداخته میشد تا در کنفرانس از سه قدرت بزرگ و متساوی، یکی از آن منحیث ابر قدرت تبارز نماید. شانزده‌جولای در پولیگون ایالت نیو مکسیکو بمب اتومی مورد آزمایش قرار گرفت. هفده جولای سران دول درپوتسدام در اولین جلسه عمومی گرد آمدند. هفده جولای ترومن که هنوز به صورت مفصل در مورد جزئیات آزمایش اتومی معلومات نداشت، به استالین اطمینان داد که بنام سقوط کامل ملیتاریزم جاپان آماده هر نوع همکاری بامتفقین میباشد.

واقعاً رئیس جمهور دیگر تردیدی بجا نگذاشت که جاپان فوراً بعد از بمباردمان اتمی خودرا شکست خورده خواهد شناخت. ترومن در یادداشت های خودبعداز امضای دستور پرواز اتمی بالای جاپان (بیست‌و پنج جولای) نوشت: «حتی‌اگر دختران جاپانی، وحشی، ظالم، بدون شکوه وتخیلی هم باشند. ما منحیث رهبر جهان مرفه نمی توانیم این بمب خطرناك را به پایتخت قدیمی (کیوتو) و یا به پایتخت جدید جاپان توکیو پرتاب نکنیم» او بعدها نوشت: «ممکن این خطرناك ترین شوخی از تمام کارهای مفید ما میباشد که تاحال در جهان انجام شده‌است.»

ولی هنوز جنگ ادامه داشت. زدو بند ها هم یکی بعد از دیگر بوقوع می پیوست. و حتی کلمات از قبیل «به روس ها دیگر ضرورت نداریم.» و غیره زیاد شنیده میشد. رئیس جمهور ایالات متحده امریکابه وزارت جنگ آن کشور دستور داد تا در پلان حمله بر جاپان که در آن شرکت اتحاد شوروی در حمله نهایی برای سقوط ملیتاریزم جاپان نیز در نظر بود تجدید نظر نماید. چون ترومن تاریخ دقیق آغاز حمله شوروی ها را میدانست، از این سبب دستور داد که وقت بمباردمان اتمی جاپان راقبل از حمله شوروی ها به جاپان تعیین نمایند و همچنان تبلیغات وسیع که گویاجاپان در مقابل بمب اتمی تسلیم گردید، نیز در نظر گرفته شده بود.

کنفرانس پوتسدام کار خودرا به تاریخ دوم اگست خاتمه داد. باوجود شانتاژ های اتمی که در جریان‌کنفرانس حکمفرما بود، تصامیم مهمی اتخاذ گردید که این تصامیم را میتوان نخستین نمایش پیروزی متحدین بر فاشیزم تلقی کرد. در این کنفرانس قرار داد های سیاسی – اقتصادی متعهد و پرنسیپ های اساسی سیاست متحدین در رابطه با آلمان طرح ریزی گردید. درکنفرانس همچنان تجدیدساختمان آلمان با آغاز دموکراتیک، اقتصادی – سیاسی واداری ومجازات جنایتکاران جنگ، تعیین سرحدات جدیدپولند در غرب و شمال و غیره تصویب شد.

کنفرانس پوتسدام رابرحق میتوان حادثه مهم وبرجسته تاریخی خواند. زیرا این کنفرانس نه تنها چهره حوادث گذشته را بر ملا ساخت بلکه عصر جدید را در تاریخ تمدن بشریت گشود.

پوتسدام در حافظه تمام مردمان جهان منحیث خاطره فراموش ناشدنی جلوگیری از جنگ، تهدید خطر جنگ وقطع مسابقات تسلیحاتی، تحکیم صلح پایدار و جاویدان در جهان باقی خواهد ماند.

از ایزویستیا

ترجمه نواب

رفع تمام علل سیاسی، اقتصادی واجتماعی جنگ از طریق ایجاد همکاری نزدیك و ثابت بین مردمان

اخبار خارجی، واقعیت ها، حوادث

مداخله در امور زیلاند جدید

ایالات متحده امریکا باید مداخله خود را در امور زیلاند جدید پایان بخشد.

جیوفری پالمر معاون صدراعظم زیلاند جدید گفت در ماه گذشته مقامات امریکا دست کم چهار مرتبه به حکومت زیلاند جدید هوشدار دادند تا قانون منع ورود کشتی های حامل سلاح های ذروی امریکا را در بنادر زیلاند جدید ملتوی قرار دهد و در صورت ادامه این ممانعت موضع زیلاند جدید در پیمان نظامی انزوس مورد تجدید نظر قرار خواهد گرفت.

بگزارش انجمن مطبوعاتی زیلاند جدید کسپر واینبرگر وزیر دفاع ایالات متحده امریکا از حکومت زیلاند جدید خواسته تا ممانعت در مورد ورود کشتی های حامل سلاح های ذروی امریکا را از بنادر زیلاند جدید رفع نماید.

جیوفری پالمر گفت حکومت زیلاند جدید در نظر دارد تا اخیر سال جاری عیسوی پیش نویس قانون منع ورود کشتی های خارجی حامل سلاح های ذروی را از بنادر و قلمرو های آبی زیلاند جدید به پارلمان آنکشور ارائه نماید.

باختر



کالاهای لوکس که بوسیله کوپراتیف های تولیدی در چکوسلواکیا تولید میشود دربازار با ارزش ترنسبت به کالا های دیگر مصرفی است. عکس: نمایشگاه که چندی قبل در پراگ بخاطر نمایش تولید بهترین کالاها بوسیله کوپراتیف ها صورت گرفته بود، میباشد.

آواز «مظلوم آواز»

اخیرا نشریه تحت عنوان «مظلوم آواز» از طرف مولوی آخندزاده رئیس جمعیت العلمای باجور ایجنسی به چاپ رسیده است.

درین نشریه مداخلات بی شرمانه ضد انسانی وضد اسلامی رژیم نظامیگر پاکستان در امور داخلی افغانستان به شدت تقبیح شده است.

همچنان درین نشریه از رژیم نظامیگر پاکستان و ارتجاع و امپریالیزم تقاضا بعمل آمده تا از دهشت افگنی، ترور وبمباران در مناطق مختلف قبایل دست بردارند.

در نشریه از تمام مردم پاکستان بخصوص مردم تمام ایجنسی ها خواسته شده که این آواز مظلومیت مردم باجور ایجنسی رابه همه جهانیان برسانند تا از ظلم این رژیم نظامی نجات یابیم.

تقاضای رهایی زندانیان

کمیته پاکستان برای رهایی زندانیان سیاسی از رژیم نظامی ضیاء الحق جداً تقاضا نموده تا هزاران زندانی سیاسی راکه در سلولهای زندانها تحت شکنجه های گوناگون بسر میبرند رها سازند.

بگزارش روزنامه مسلم اعضای این کمیته درکنفرانس مطبوعاتی در لاهور اظهار داشته اند که یگانه «جرم» اکثریت این زندانیان سیاسی عدم موافقه شان با پالیسی رژیم نظامی یا مبارزه شان برای اعاده دموکراسی در پاکستان بوده است.

بسیاری ازین زندانیان سیاسی به ۱٦ تا ۵۰ سال حبس محکوم شده اند و در سلول های زندان تحت شکنجه درغل وزنجیر بسر میبرند.

در جمله این زندانیان فعالین احزاب و سازمانهای مختلف اجتماعی شامل میباشند که بدون تحقیق و محاکمه شش تا هفت سال رادرسلولها سپری نموده‌اند.

کمیته همچنان یك لست بازداشت شدگانرا به‌نشر رسانده که باوجود به سر رسیدن‌ایام حبس‌شان ازطرف مقامات رژیم نظامی در زندانها نگهداشته شده اند.

دیدار نامقدس

بگزارش آژانس‌های خبری بین‌المللی بر اساس اطلاعات رسیده به دهلی‌جدید‌سرکرده های باند های ضد انقلاب افغانی مستقر به پاکستان اخیراً با نمایندگان ایالات متحده امریکا و عربستان که مخصوصاً به همین مناسبت به پاکستان رفته بودند‌ملاقات نمودند.

نمایندگان جمهوری چین نیز دراین دید وبازدید‌شرکت داشتند.

ضد انقلاب افغانستان در قدم اول خواستار راکت های زمین به هوا وتوپ ضدطیاره شده اند. شرکت کنندگان این ملاقات مساله توسعه مراکز موجود وایجاد کمك های جدید تربیت ضد انقلاب را برای آموزش شمار بیشتر ضد انقلابیون خاصتاً بخاطر استعمال سلاح عصری مورد بحث قرار دادند.

باختر

ناگاساکی در شعله‌های بمب اتومی

٦- اگست ۱۹۴۵ ایالات متحده امریکا موافق به‌پلان «منهاتن» اولین بمب اتمی خود را در هیروشیما استعمال نمود که در شعله‌های سمارق شکل آن‌بیش‌از یکصدو هفتاد هزار نفرسوختند (نهم) اگست ۱۹۴۵ بازهم روزانجام عملیات جدید امریکا انتخاب شد. ایالات متحده امریکا در نمایش قدرت و نیروی نظامی خود عجله کرده‌و خواست به این ترتیب اراده خود رابالای سایر کشورها تحمیل نماید.

بخاطر روشنی‌قضایابجاست که‌حوادث چهل سال قبل را بخاطر بیاوریم:

شب‌نهم اگست سال ۱۹۴۵ برای جگرن فرید سوینی فرمان نمبر هفده عملیات را دادند. او نمی دانست که فرمان نمبرهفده را شخصاً رئیس جمهور امریکا ترومن صادر نموده است. در فرمان آمده بودکه «تانك های شوروی وارد منچوریا شده. واردوی «کوانتونك» در جبهات پیهم شکست خورده اند.به پایان جنگ چند روزی باقیست که در جریان آن باید بمب اول استعمال گردد.»

طیاره جگرن جك سوینی ساعت یك و پنجاه و شش دقیقه از میدان هوایی‌جزیره «تی‌نیان» به استقامت کیوسیو پرواز نمود. در عرشه این طیاره بمب اتمی قرار داشت. پیلوت دوم طیاره تورن دون البوری نام داشت. تعداد عمله طیاره مجموعاً به ده نفر میرسید و تورن «کیر میّت بی هان» مسوول بمب اتمی بود. جك سوینی همچنان کپتان طیاره بی بیست‌و نه بود که بمب اتمی را در هیروشیما پر تاب نموده بود.

هدف، رسیدن به سواحل شمال کیوسیو بود. آسمان از ابر های نازك پوشیده بود. در زمین شهر کوچك بندری دیده میشد که‌ساکنین آن از ترس طیارات امریکایی پنهان شده بودند. طیاره حامل بمب اتومی را دوطیاره دیگر بی بیست‌و نه همراهی میکردند. ناگهان کپتان امر باز گشت به استقامت غرب به سوی شهر ناگاساکی را صادر کرد.

طیاره از طریق بحر به ساعت ده و پنجاه‌و هشت دقیقه وارد ناگاساکی‌گردید. آسمان شهر ابر آلود بود. کپتان طیاره حامل بمب اتومی به زمین نگاه کرد، چشمش به استدیوم شهر افتاد. با شادی آه کشید وتکمه پرتاب بمب را فشار داد. بمب از جای معینه خود خارج شده و توسط پاراشوت به طرف زمین حرکت نمود. در ارتفاع پنجصد متری زمین بمب منفجر شد وساعت انفجار یازده بجه و دودقیقه را نشان میداد.

به تاریخ نهم‌اگست ۱۹۴۵ جنرال فاریل بعد از اخذ گزارش گروپ پرتاب کننده بمب بر ناگاساکی شفری را به متن زیر به واشنگتن ارسال داشت:

«من بعد از شنیدن‌گزارش به این نتیجه رسیدم که عملهٔ طیاره کار فوق العاده مشکلی را با قاطعیت، عقل سلیم وهنرمندانه انجام دادند. ضعیفان نمی‌توانستند همچو کاری را انجام دهند ...»!؟

این اولین ارزیابی رسمی از انفجار بود. تورن بی هان در روز تولد خودبافشار دکمه پرتاب بمب اتمی هفتادو سه هزارو هشتصدو هشتادو چار نفر را به قتل رسانیده و ده ها هزاردیگر را به رنج ودرد ابدی مواجه ساخت. در شهر ناگاساکی بخاطر این قربانیان بنای یاد بود اعمار گردید. وهمه ساله ساعت یازده و دو دقیقه روز نهم اگست مردم در آنجا آمده و خاطرهٔ قربانیان آنرا گرامی میدارند. دربین کسانیکه در آتش شعله های اتمی سوختند بیست نفر رهبران مذهبی، دو صد نفر معتقدین که در

سه‌صدهزار نفر درکام جنون هستریك نظامیگران فرو رفتند.

صبح همان روز در معبدبرای عبادت جمع شده بودند. یکهزارو سه‌صدو ده متعلم معلم‌و آمرین مکتب سیرویما یکهزار و سه صد متعلم مکتب پامازانو، دو صدو دوازده متعلم مکتب زنان یکهزار مریض و کارمند طبی پنجصدو سی محصل انستیتوت طبی ناگاساکی وهزار ها نفر دیگر شامل اند.

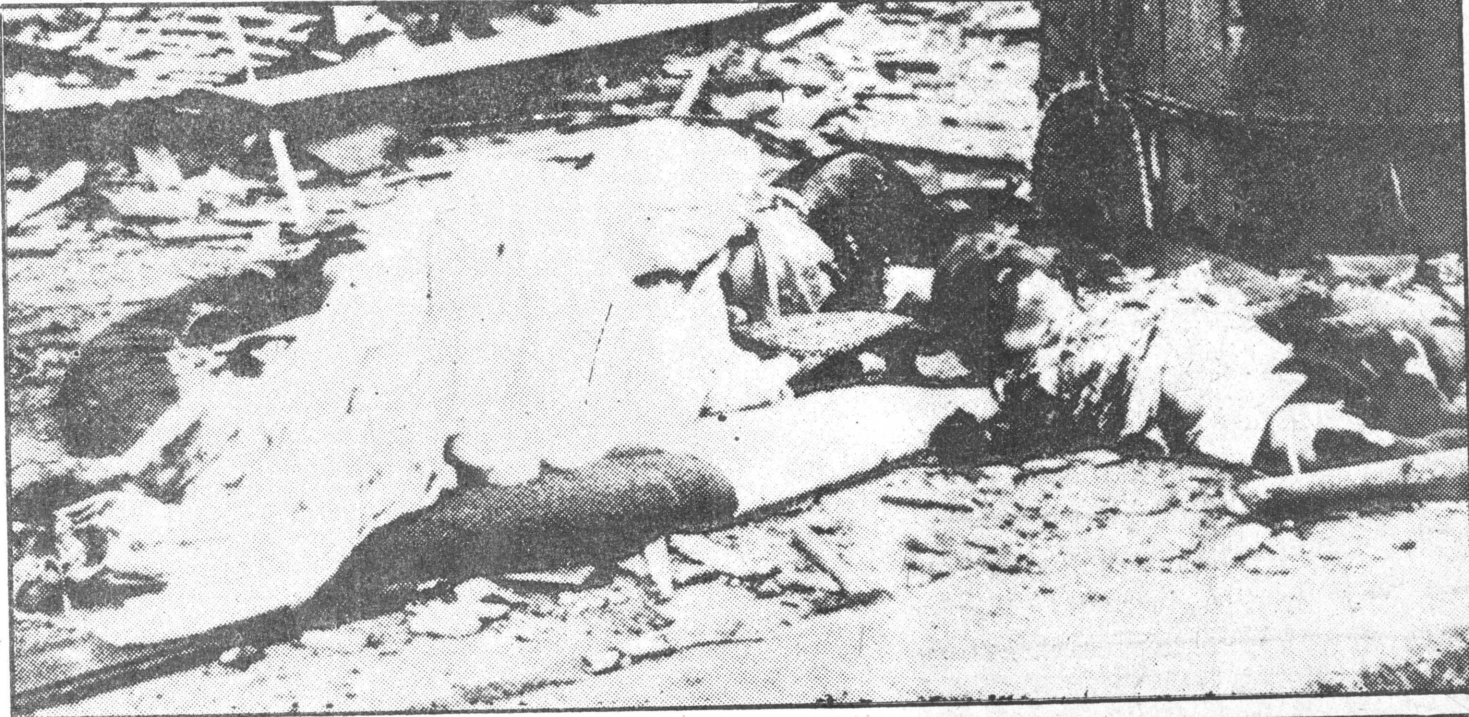
سیزده در صد مقتولین را کارگران موسسات‌صنعتی شهر، هشتادو چار در صد آنرا ساکنین عادی شهر، موسفیدان، زنان و اطفال وسه در صد دیگر آنرا کارمندان که دربین‌آنها امریکایی هانیز قرار داشتند تشکیل‌می دهد. باید متذکر شد که در آخرین دقایق پرواز اتمی جنرال فاریل از واشنگتن تقاضا بعمل آورد تا بمباردمان اتمی ناگاساکی را به تعویق بیندازد. زیرا در آن شهر اردوگاه اسیران جنگی امریکایی هاقرار داشت. ولی‌از واشنگتن فوراً دستور رسید «ضعیفان نمیتوانند همچو کاری راانجام دهند.»

فعلا در مرکز تحقیقات قربانیان جنگ در جاپان هفتادو چار هزارو سه صد و بیست‌و هفت نفر منظماً زیر نظر متخصصین قرار داشته و متخصصین آنها را معالجه و تداوی مینمایند.این ها اشخاصی اند که‌ازخطر مرگ نجات یافته ولی تاثیرات تشعشعات اتمی و غیره عوامل در وجود شان باقیست. متخصصین این قربانیان را به چهار کتگوری تقسیم نموده اند. تقسیمات آنها نظربه زمان وفاصله از انفجارات صورت گرفته است.

به این ترتیب تطبیق پلان «منهاتن» باعث قتل سه صد هزار نفر و درد و رنج صد ها هزار دیگرگردید. ولی امروز که ایالات متحده باز هم تلاش و سیع‌بخاطر حصول آقایی بر جهان را ادامه میدهد و «پروگرام جنگ ستاره گان» راتدوین نموده، باز هم جهان و جهانیان را در آستانه یك فاجعه دیگر هستوی قرار داده است، وظیفه تمام بشر یت‌است‌تادیر نشده جلو همچو دیوانگی ها رابگیرند. تاباز هم حادثه غم انگیز هیروشیما و ناگاساکی که وجدان میلیونها انسان صلح دوست راناآرام‌ساخت تکرار نگردد.

از منابع آ. پی. ان
ترجمه و تلخیص ازجان‌محمد

در عکس صحنه‌ای ازقربانیان بمباران اتومی درجاپان
عکاسی آ.پی.ان



ابراز رضایت

هیات نمایندگان عضو گروپ کانتادورا که مشغول بازدید از ماناگوا میباشند یکبار دیگرموضعگیری‌سازنده رهبری نیکاراگوا و مساعی صادقانه آنرا برای حل صلح آمیز اوضاع انفجار آمیز امریکای مرکزی عالی ارزیابی نمودند.

معاونین وزرای خارجه مکسیکو، ونیزویلا، کولمبیا، پانامه از مذاکرات شان با حکومت نیکاراگوا و آمادگی آنکشور برای امضای صلح و همکاری درمنطقه رضایت‌کامل شانرا ابراز نمودند.

یادداشتی برخبر

رسوایی...!

به ادامه نشر جعلیات در مطبوعات غرب که بار ها به ابتذال و رسوایی های پر سر و صدا برای گردانندگان آنها منجر شده است، اینبار نوبت به روزنامه ((لو موند)) چاپ پاریس وابسته به ارتجاعی ترین حلقه های انحصارات‌فرانسه رسید و با نشر یك دروغ مبتذل، ‌باردیگر طشت‌رسوایی مطبوعات امپریالیستی را ازبام به پائین انداخت. روز نامه ((لو موند)) به‌شیوه معمول مطبوعات امپریالستی اخیراً طی گزارش سراپا جعلی، لست طویلی ازمناطق مسکونی افغانستان را از قول گزارشگر خود به نشر سپرد که گویا این مناطق‌در اثر بمباردمان طیارات شوروی بخاك یکسان شده و ساکنین این مناطق نابود شده اند. اما زمانیکه ((اف. لیپو)) ژورنالیست ارجنتاینی از قریه های متذکره دیدن کرد، نه تنها آثاری از بمباردمان خیالی ((لو موند)) را ندید، بلکه بار وال عادی زندگی در مناطق متذکره رو بروشد. نکته قابل تأمل اینجاست که چرا مطبوعات غرب چنین افترا آت را علیه انقلاب ما براه می اندازند و منبع مرکزی پخش چنین دروغ های شاخدار و خنده آور در کجاست؟

پاسخ روشن است. اردوگاه امپریالیستی برای‌ادامه جنگ اعلام ناشده علیه کشورما سرمایه بزرگی را بکار گرفته و تا کنون بیش از یکنیم میلیارد دالر را برای ادامه این جنگ کثیف و به منظور برگرداندن انقلاب ما از مسیر طبیعی آن بمصرف رسانیده است. و اکنون‌که همه تلاشهای خود را دراین زمینه نقش بر آب یافته اند، میکوشند شکست های افتضاح آور خود را درپشت چنین افترا آت، دروغ‌پراگنی ها و اطلاعات دروغین‌استتار کنند، اذهان عامه جهانیان‌را در مورد انقلاب افغانستان و کمك انترناسیونالیستی اتحاد شوروی به خلق ما وارونه جلوه دهند، اطلاعات مسخ شده و دروغین رابجای ((فاکت های واقعی)) جا بزنند و در نهایت گناه جنایات ننگین و ضدانسانی مزدوران جنایت پیشه خود را بدوش قوای مسلح‌قهرمان ج.د.ا، و قطعات محدوداتحاد شوروی که وظیفه انترناسیونالیستی خود را انجام میدهند بیفگنند.

منبع پخش چنین اطلاعات دروغین کاملا هویدا ومشخص است. چندی قبل مطبوعات جهان افشاء کردند که‌سفارت امریکا در اسلام آباد طی به اصطلاح ((کنفرانس های مطبوعاتی)) که منظماً دریکی از اتاق های سفارت برای روز نامه نگاران غربی دایر میگردد، چنین اطلاعات دروغین را در اختیار روز نامه های غربی قرار میدهد. این ((اطلاعات)) نخست در سفارت امریکا در کابل جمعبندی میشود و بعداً توسط مسوولان سفارت امریکا در اسلام آباد به ((ژورنالیست)) ها سپرده میشود.

افتضاحی را که هفته‌نامه نیوزیلند تایمز در حوت‌سال گذشته ببار آورد و در نتیجه گردانندگان آن مجبور شدند از خوانندگان خود برای نشر جعلیات در مورد افغانستان معذرت بخواهند، درس خوبی بود برای گردانندگان ((لو موند)). اما از قراین چنین معلوم میشود که این آقایان نمی خواهند از تجربه گذشته همطرازان خود درس بگیرند. گذشت زمان که اتهامات دروغین آنها را افشاء میسازد، ممکن بتواند درس خوبی برای آنان باشد.

همایون

دق البـــاب


ماما خبر دار صا حب صفحه تقدیم می کند


ماما خبر دار دعو تمیکند




ازالبو م ماما خبر دار

● این دو چی رانگاه می‌کنند و به چی می اندیشند ؟

● یاری و همکاری درفستیوال جوانان و محصلان مسکو



ازدفترعرایـــض مامـــاخبردار

ماما خبر دار !

چند رو ز پیش پیسه گك ها یمه یك چا نیکی گو شت گو سپند ، چهار دانه تخـم مر غ یکو نیم خورد گرو یك چا نیك چا ی سبز خر ید م و او لین سا لگر ہ پیاد ہ شد نم رادر یك سماوارجشن گرفتم .

در سما وار گر می زیاد بود . از سرو صور تم ما نند بارا ن عر ق می بار ید فکر کد م همہ ن چا ینکی وچای را که خورد م دو بار ہ ا ز سر و صور تم به بیرو ن ریختنند این قصه ر ہ ماماجان به جا یش می گذار م وا صل مو ضو ع را برا یت عر ض می کنم .

ماما خبر دار ده ای روز هاخوبه خودت مالوم اس که گرمی زیات شده وبیك‌مشکل روبروی شدیم اگر مـره راهٔ نمایی کنی خوش میشم . گپ ایطور اس :

دیروز سات ده ونیم بجه آمر صایب مره خـــا ست و گرم بری مهمانـــا آوردی .


ماما خبر دار انتقاد میکند

بسیار قار شدکه چرا «کولر» شعبه‌ره جور نکدی . دلت اس که‌از گرمی بمرم .برش گفتم آمر صاحب خودت که یازده بجه خانه رفتي میخانیکه‌آوردم کولره دید گفت «بیادر! کولر جوراس ا گه هوای سالنگ شما لی‌میخاهی گپ‌علیحده‌اس» آمر صاحب سرخوده به شدت تکان داده گفت «به ای آد م چـه بگویی . او بچه او پیاده دگام ده سرم بدخورد تیرش کدم. احتیاط کو». باز قارش آمد وگفت «چرا دیروز شربت خجالت نمـــی کشی همـــی انسانیت اس» برش گفتـــم «اوآمر صایب یکی دو دانـه یخچال اس وکل مامورین بیچاره هاگرمی می کنن یگان زره اویخ میخورن همی قد ر اویخ مانده بود. برتان آوردم خی چطور کنم .

ام دفه دگه خوب قار شدو گفـت : او نادان یخچـــال‌از آمریت اس یاازکلگی هروخت که‌دگام آمرشدن اویخ‌بخورند. اوناره به اویخ چی. همـــی یخچال ده پای توقید شده ، اگرخراب شد و ابجانت .»

ما ما ! حـــال نمی دانـــم اگه به‌گفت آمرکنم دلم بر ی مامور ین بیچاره می سوزه‌ده ای‌گرمی چطور کنن ، اگـــه بگفت مامورین کنم خو دربدر می شم .

«این نامه ره از زبان مـه یك مامور صایب ماکه مـره سواد یادمیته خوشته کده» .

حشمت

سینما

افغان فلم با نصب دستگاه دوبلی دوفلم تازه را دوبلـی کرده است که اولین محصول این دستگاه جدید را فلمـی از اتحاد شوروی بنام عشق رزمی می سازد ، علاقمندان هنراین فلم تازه را بادوبلـی عالی در هفته آینده در یکـی از سینما های شهر تما شا خواهند کرد . وهمچنان فلم تازه افغانی بنام صبورسرباز از ساخته های انجنیر لطیف کارگردان ماهر کشور درهفته آینده در سینمای زینـــب به نمایش گذاشته میشود .



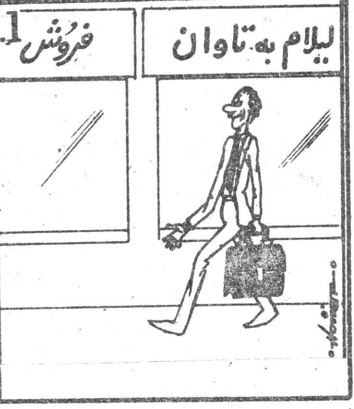
تلویزیون

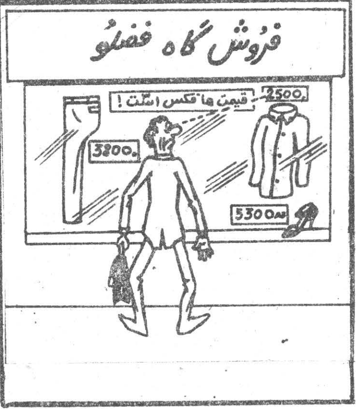
شام جمعه برنامه تازه‌ثبت شدهٔ دیری مجلس را باپارچه های خوب محلی از هنرمندان شناخته شده کشور ازطریق برنامه موسیقی تلویزیـــو ن تماشا خواهید کرد .

در هفته آینده قسمت دوم وسوم سریال جدید هنگر ی از طریق تلویزیون ج.د.ا. بنشر میرسد .

همچنان در نشرات شـام پنجشنبه برنامه موسیقـی رنگارنگ ، در سیاوه ملوفلم هنری افغانی‌بنام«مردها ره‌قول اس» گنجانیده شده است .

در نشرات صبح جمعه فلم هنری برای نـــو جوا نـان موسیقی وسایر برنامه ها ی دیگر در نظر گرفته شـده است .









بدون شرح

کارتونیست :هژبرشینواری

جدول کلمات متقاطع شماره ۴

افقی :

١ـ قسمتی ازرومان آن درهمین شماره به نشررسیده .

٢ـ گندم دروبه پشتو ـبوی عطرآگین‌داردـ هنرمندان به آن میرسند .

٣ـ چال وفریب ـ جمع‌کتاب ـ موهای اسپ .

٤ـ میان دوکوه ـ به نظرفلاسفهٔ یونان یکی از چـــار عنصر اساسی جهان ـ نـا م‌یك حیوان .

٥ـ در آب بازی صـــورت‌میگیرد ـ تکرار حرف .

٦ـ حالت تعجب ـ حسدبه‌انشای غلط ـ تکرار حرف .

٧ـ یك واحـــد سیستـم‌متریك ـ عقب به پشتو .

٨ـ وقتی جبین ، گشاده‌نباشد ـ ازخوردنی ها ییکـه سرشار از ویتامین ای‌است.

٩ـ همین روزها کودتا ی‌نظامی در آنکشور به وقوع پیوست ـ در تابستان بیشتراست .

١٠ـ ریاکار ـ واحد پول .دریکی ازکشور های جهان

عمودی :

١ـ نیمی از شعارفستیوال‌دوازدهم جوانان .

٢ـ ارزانتر وبهتر ازمعالجه‌است ـ یکی از پایتخت های زیبا در جهان .

٣ـ غایه ومرام ـ چوبی‌که‌باآن نوعی‌غذاً تهیه میشود .

٤ـ ترـ مرحله زمانی‌درهنر.

٥ـ یکی از ولسوالی ها درغرب کشور ـ یکنوع مو تر ساخت بلغاریا .

٦ـ یگانه .

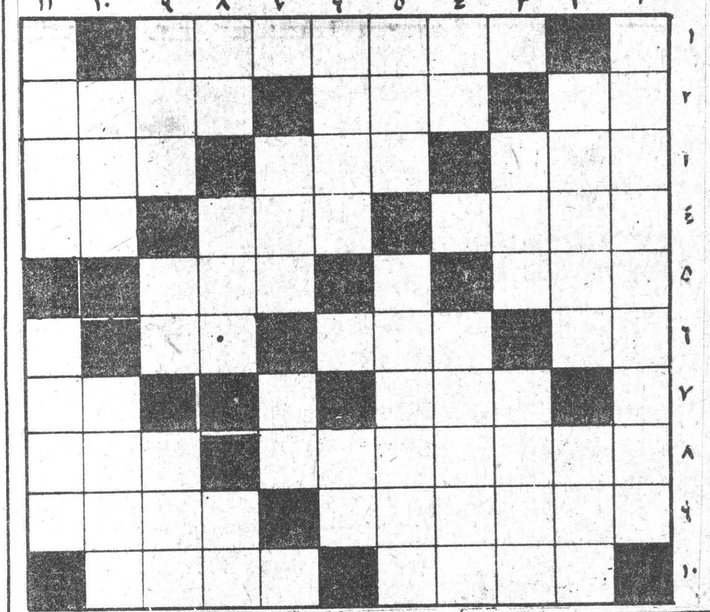
٧ـ در بیابان هامی رویدـساغر.

٨ـ مثل ومانند ـ بزرگتراز ولسوالی ـ جمع دونفر .

٩ـ خالی ـ پیشونـــد ـگلها را آنطورمی سازند .

١٠ـ نوعی از موسیقی ـتکری یا سبد.

١١ـ یکی از قهر مانـــان‌شکسپیر بایك حرف کـم ـ زمین لامزروع .



ماجـــــرا هـــــای‌دن‌کیشوت

-٥-

نبرد بارمه گوسپندان

سانکو به شوا لیهٔ آ سیمه گفت ((آنچه را که من و تو می بینیم رمهٔ گـــو سپندان‌و چند چو پان اند ، از لشکر و جنگ خبری نیست))



دن کیشوت جیغ زد ((نه، نه، من این لشکر های مهاجم را خوب میشنا سم که برای نا بـ ودی ابنای بشر بـــه راه افتیده اند . بیا اگر بـــاور نداری‌از بالای تپه‌نگاه کن .»

هر دو بر تپه با لا شد ند. دن‌کیشوت نعره زنان بایابوی خود به سوی رمه گو سپندان یورش برد و شکم چنـــد گو سپند را با نیزه‌اش درید. چو پان ها زود به حا لشـــ رسید ند و با پر تاب سنگ دن کیشوت مهاجم را به‌زمین زدند ، یکی از سنگها بر دهن دن‌کیشوت خوردو چند دندا- نش‌را ازدهانش بیرون‌انداخت

سانکو پانزا در حا لی که تبسم تلخی بر لبها داشت گفت ((حال که بی دنـــدان شدی بسیار محزون و نکبت به نظر می رسی))

دن کیشوت متحیر گفـــت « فر قی نمی کند . من هم خود را شوا لیه محزون مینا مم))

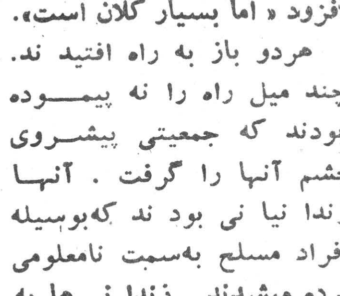
روزی دیگر دن کیشـــوت و سا نکو پانزا بار دیگر رحـل سفر بر بستند . راه زیا دی را پیمو دند به یکباره گـــی چشم دن کیشوت به‌شخصی خورد که شتا بان به ســوی آنها در حر کت بود . دن ـ کیشو ت شخص مـذ کـور را شوا لیه فکر کرد و باصدای بلند به یار کهترش گفـــت ((نگاه کن ! او نه شوا لیه . شوالیهٔ که کلاه طلایی به سر گذاشته بر آسپ خا کستـر ی سوار است))

سا نکو لبخند زنان پا سخ داد ((آن شخص شوا لیـــه نیست وبرالاغ سوار است))

دن کیشوت بافریاد همیشه‌ـ گی بانك زد ((نه ، نه‌کلاهی را که شوا لیه پو شیده است همان کلاه طلا یی و سحـــر آمیز ما مبیرٌ نو است، مـــن باید کلاه را از نزدش‌بگیرم))

سا نکو با خود گفت ((دن‌ـ کیشوت بیچـاره دچار جنون شده است . یك سلما نی را شوا لیه فکر می کند، وکاسه بر نجی را که به علت باران بر سر گذا شته است کـلاه طلایي تصور می کند))

دن کیشوت ، پنـــداری پلنگی شکاری را یافته باشد، نا گها نی به سوی سلما نی هجوم برد . سلما نـــی از الاغش پا یین شد ، و بـــه دویدن پرداخت. دن‌کیشو تـ غالب که احسا س غرور بر چهره کوفته شده و محزونش موج میزد، کا سه بر نجی را بر داشت و بر سرش‌گذاشت وگفت « کلاه بسیار زیباست» و سا نکو خنده کنان بـدان



افزود « اما بسیار کلان است».

هردو باز به راه افتید ند. چند میل راه را نه پیمـــوده بودند که جمعیتی پیشـــروی چشم آنها را گرفت . آنهـــا زندا نیا نی بود ند که‌بوسیله افراد مسلح به‌سمت نامعلومی برده میشدند . زندا نی ها به وسیله‌زنجیر باهم‌وصل‌شده‌بودند

دن کیشوت وقتی ایـــن صحنه اسف انگیز را دید ، بازفریاد کشید « این‌زندانیان را می بر ند و ازآنهادرکشتی ها به حیث برده ها کار مـی گیر ند . من باید این‌زندانیان بیچاره‌را نجات‌بدهم. بلی این وظیفه‌و رسالت‌من است .من برای همین آفریده شده‌ام))

دن کیشو ت بر ق آسابر محا فظین تفنگدا ر حمله‌ور شد . زندانیا ن زنجیر ها را شکستا ندند و محا فظین از هیبت د ن کیشو ت رو بـــه فراز گذ اشتند .

دن کیشو ت کا میا ب و مغرور ناگهانی ز ندانیـا ن آزاد شد ہ را مخاطب نمودو با صدا ی کر کننده فریا د زد « برادرا ن ! اکنو ن‌بروید وبه دو لسینا ی زیبا بگویید که دن کیشو ت شجا ع‌ترین شوالیهٔ جهان است ».

زندانیا ن ازین حر فها ی دن کیشو ت متحیر شد ندو همه یکصدا گفتند « بیچاره، مغزاز سرش فرار کرده‌وبکلی دیوانه شده است .))

زندانیا ن آزاد شده د ر حالی که دهن های تماشا ن برای خنده و استهزاء تـــا بخواهی باز شد ہ بودند ،به یکبار گی به سو ی دن‌کیشوت سانکو ، یابو والاغ به‌پرتاب نمو دن سنگ آغا ز کردند . دن کیشو ت چند ین زخم‌بر داشت و برا ی مدت زیا دی نتوانست از جایش بر خیزد.

روزبعد د ن کیشو ت‌وسانکو هر دو باز به سفر ادا مـــه دادند و چندین حاد ثه برای شا ن پیش آمد .

یکی از شب ها الاغ‌سانکو را دزدیدند . این ماجرا دن‌ـ کیشو ت را بسیار غضبنـــاك ساخت . دن کیشو ت اینسو وآنسو میتا خت و پیهم چیغ می زد « آهای . الاغ یار مرا بیارید . در هیچ کنج دنیا نمیتوانید از چنگم در اما ن باشید . من برای پا ك کردن دنیا از و جود ناپا ك شمـــا کمر بسته ام ».

دنبا له را در دق البا ب آینده بخوانید .

زیر نظر هیات تحریر
مدیر مسوول : صدیق‌کاوون

تیلفو نها

مدیر مسوول : ٦٢٤٧٤
سوچبورد : ٦١٠٤١ ٦١٠٤٢ ٦١٠٤٣
اداری : ٦١٩٤١
شکایات‌و توزیع : ٦٢٨٥٩
صندوق پستی : ٧٨٠
حساب بانکی : ١٠١٨بر٩
قیمت یکشماره «٢» افغانی
چاپ‌ویب‌آفسیت: مطبعهٔ‌دولتی